۸۹۷۱ - ف

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب حدیقه الشعراء

مؤلف دیوان بیگی (صاح میرزا احمد خان ابوالحسن شیرازی)

موضوع خط مرکب

شماره ثبت کتاب ۸۵۴۰۷ ۱۱۸۸۲

شماره قفسه ۹۱۵۲

بازدید شد ۱۳۸۲

بازدید شد ۳۶-۳۷

۹۱۵۲

حدیقة الشعرا

۱۲۴

مجلس شورای ملی
کتابخانه

۱۶۶۱۴
۲۳/۹/۳۰

کتابخانه
جعفر سلطان القرائی
۳۰ تیر ۱۳۳۵

مجلس شورای ملی

کل امر ذی بال لم یبدأ فیه ببسم الله الرحمن الرحیم فهو ابتر

مجلس شورای ملی — کتابخانه

بسم الله الرحمن الرحیم

1

وبعد چنین گوید فقیر ضعیف احمد بن ابو الحسن بن ... الشیرازی ... [illegible]

[illegible]

صحت اخبار ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

حرف الف آبانی طهرانی ارام یزدی آزاد هندی آشفته شیرازی آشفته قاجار
۱۹ ۳۵ ۳ ۳ ۳۴

آشنای یزدی آشوب طهرانی آگاه قاجار آیت قزوینی میرزا ابراهیم کلباطلی حاجی میرزا ابوالقاسم
۳۵ ۲۴ ۲۲ ۶ ۵ ۵۵

میرزا ابوالقاسم قمی میرزا ابوالقاسم شیرازی اثیم سنندجی ملا احمد نراقی احمد کردستانی میرزا احمد شیرازی
۴ ۳۵ ۱۰ ۵ ۵ ۱۶ ۵

اخگر افشار ادیب کرمانشاهی ادیب صفوی ادیب شیرازی ادیب تفرشی ادیب تبریزی
۵ ۱۳ ۵ ۱۶ ۵ ۲۳

ارسطوی قمی میرزا اسحق قراخانی حاجی اسرار سبزواری میرزا اسمعیل یزدی اسیر سنندجی اشتری یزدی
۱۸۵ ۱۹ ۱۴ ۱۸ ۵ ۱۵ ۵۵

افسر اصفهانی افسر سنندجی افسر اصفهانی افسر یزدی الفت نوری الهی کرمانشاهی امان الله سنندجی
۱۲۵ ۴ ۲۶ ۲۶۵ ۱۱ ۸ ۲۰

امید نهاوندی امید کرمانشاهی انجم یزدی انجم یزدی انجمن شیرازی انیس طباطبائی امین کرمانی
۱۳۵ ۱۶ ۱۲۵ ۲۶۵ ۱۸ ۲۴۵ ۲۵

باقر قاجار حرف باء بارق کرمانشاهی بدیع اصفهانی پرتو اصفهانی پرتو بروجردی پروانه شیرازی پروین طهرانی
۳۱۵ ۳۳ ۳۰ ۳۴ ۴۲ ۲۹ ۴۰۵

بوستان شیرازی بزمی شیرازی باقی افشار بسمل شیرازی بقای اصفهانی بقای کرمانشاهی بهاء یزدی
۳۰ ۲۷ ۲۲ ۳۱ ۲۹ ۳۱۵ ۳۶۵

بهار یزدی بهار نائینی بهار شیروانی بیضاء قاجار بیدل شیرازی بیدل یزدی بیدل یزدی
۲۶۵ ۲۲۵ ۳۶ ۳۰ ۲۷ ۲۸ ۲۹

بیدل مازندرانی بیرم کرهرودی بیضاء اصفهانی بیضاء قاجار بیضاء قاجار
۳۱ ۲۹ ۳۲ ۳۸ ۴۳

حرف تاء تاراج اصفهانی تاراج شیرازی ترابی جهرمی تسلی شیرازی تمنای یزدی توفیق طهرانی
۳۲۵ ۴۳ ۴۲ ۴۳ ۴۲ ۴۲

حرف ثاء ثاقب کرمانی ثنائی حجازی
۳۳ ۱۶۰

حرف جیم جامع شیرازی جرمی طهرانی میرزا جعفر ترک جلال قاجار جلالی نائینی جلوه شیرازی جلی اصفهانی
۴۴ ۴۸ ۴۵ ۴۵ ۴۵ ۴۴ ۴۵۵

جمره کاشانی جواد قنوی جوهری کردستانی جیحون یزدی
۴۶ ۴۵ ۴۸ ۴۶ و ۴۵

حرف حاء حاجب شیرازی حامد عرب حالت کرمانشاهانی حبیب شیرازی حبیب یزدی حجاب شیرازی
۵۴ ۵۴ ۵۰۵ ۵۵ ۵۵ ۵۵ ۵۶

حجاب یزدی حسرت سنندجی حسرت نائینی حسرت طهرانی حسرت بروجردی حاجی محمد حسن یزدی حسن خان سنانی
۵۶ ۵۲۵ ۵۶ ۵۶ ۵۶ ۵۶ ۵۱۵

آقا حسین جهرمی حسینی یزدی حسینقلیخان قزوینی ملا حسین نائینی میرزا محمد حسین نجفانی میرزا حسن بروجردی حشمت قاجار
۵۶ ۵۲ ۵۳ ۴۹۵ ۴۹ ۴۹ ۵۷

حکمت اصفهانی حکیم شیرازی حکیم یزدی حکیم طهرانی حیدری یزدی حیران یزدی سعد یزدی سعد قاجار
۳۰۵ ۵۰ ۵۲ ۵۲ ۵۲۵ ۵۶ ۵۷ ۵۲۵

سعد حیران یزدی حیرت شیرازی حیرت کرمانشاهی
۵۱۵ ۵۷ ۵۷

حرف خاء خاقان قاجار خاقانی نائینی خاموش یزدی خاوری شیرازی خاوری مازندرانی خرد رشتی خاور دنبلی خاور قاجار
۵۶ ۶۵ ۶۰۵ ۵۸ ۶۶ ۶۱۵ ۶۲

خرم شیرازی [illegible] خرم قراچه داغی خرم سنندجی خرم خراسانی خزان نوری خزانی یزدی خاور کرمانشاهانی
۶۱ ۶۱ ۶۲ ۶۴ ۶۳ ۶۱۵ ۶۸۵۳

خسروخان سنندجی خسروی قاجار خسروی کرمانشاهانی خلیل قزوینی خموش طهرانی خرسند کرمانشاهانی
۶۳ ۶۶۵ ۶۷ ۶۸ ۶۲۵ ۶۸

حرف دال دانش طهرانی داوری شیرازی دبیر فارسی دشتی فارسی دولتشاه قاجار دهقان اصفهانی دارای قاجار داور قاجار
۶۸ ۷۰ ۶۹ ۷۳ ۷۴ ۷۴ ۶۸ ۶۹۵

حرف ذال ذبیح شیرازی ذوقی بسطامی ذوقی خوئی
۷۵ ۷۵ ۷۵

حرف راء راجی کرمانی راحت قنوی راز شیرازی راقم کرمانی رجاء نائینی رشحه اصفهانی رضاقلی یزدی
۸۲ ۸۲ ۸۳ ۸۳۵ ۸۳۵ ۸۳ ۸۲

رضوان قاجار رفعت نهاوندی روشن نوری روشن اصفهانی رهی اصفهانی رهی طهرانی ریاض شیرازی ریاضی یزدی
۷۶ ۷۲۵ ۸۴ ۸۴۵ ۸۴ ۷۸ ۸۴

حرف زاء زرگر اصفهانی زین العابدین بروجردی زاهدی یزدی زاوی یزدی
۸۵ ۸۵۵ ۸۶ ۸۶۵

حرف سین سائل قمی سابق اصفهانی ساغر اصفهانی سالک شیرازی سالک کرمانشاهانی ساسانی شیرازی سپهر کاشانی
۸۶ ۸۶ ۸۷ ۸۷۵ ۹۶ ۱۰۳ ۱۰۴

سراج بروجردی سرخوش طهرانی سرور یزدی سرور اصفهانی سرور خوانساری سروش اصفهانی سفیر کوه افغانی
۸۷ ۸۶۵ ۸۸ ۸۸ ۹۵ ۱۰۰ ۹۴۵

سلطانی کلهر سلطانی قاجار سمر نائینی سودائی زواره سها نائینی سها یزدی سها تبریزی
۸۹ ۹۳ ۸۸۵ ۸۹ ۸۸ ۸۸۵ ۱۰۲

سهیل کرمانشاهانی سعدی یزدی سید قزوینی
۸۸ ۸۹۵ ۹۶۵

شاپور قاجار ۱۰۷

حرف شین شارق قاجار شائق اصفهانی شیخ شیرازی شحنه مازندرانی شعرای یزدی شعرای اصفهانی
۱۰۵ ۱۰۸ ۱۰۸ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۰۶

شعرای شیرازی شفق یزدی شکسته قاجار شکر یزدی شکوهی اصفهانی شکوهی شیرازی شکیب نائینی
۱۱۶ ۱۰۹ ۱۰۸ ۱۱۶ ۱۰۸ ۱۱۶ ۱۱۰

شوکت قاجار ۱۱۵

شمس المعالی شوقی یزدی شوکت شهاب ترشیزی شهاب اصفهانی شهلاء یزدی شهدی
۱۰۹ ۱۰۹ ۱۳۰ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۳۰

شهید شیرازی شیبانی کاشی شیدای یزدی شیفته همدانی
۱۱۲ ۱۱۸ ۱۱۲ ۱۰۵

حرف صاد صابر قاجار ... شیرازی صاحب علی‌آبادی صادق یزدی درویش صادق تبریزی
۱۲۲ ۱۲۲ ۱۲۶ ۱۳۸ ۱۲۶ ۱۲۶

محمد صادق جهرمی شیخ صالح اصفهانی صافی اصفهانی صبای کاشانی صبوحی کلهر ... قزوینی صفای تفرشی
۱۲۱ ۱۲۱ ۱۲۶ ۱۲۲ ۱۲۱ ۱۳۲ ۱۲۱

صفای شیرازی صفائی یزدی
۱۲۲ ۱۲۲

حرف طاء مهمله طاهر نائینی طایر جهرمی طایر نائینی طایر شیرازی طراز یزدی طرب نائینی طرفه شیرازی
۱۲۹ ۱۲۹ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳

طوبی نائینی
۱۳۲

حرف ظاء معجمه ظفر اصفهانی
۱۳۴

حرف عین مهمله عاشق کرمانشاهانی عالی شیرازی عامی شیرازی حاجی میرزا آقاسی ... عبد الباقی میرزای قاجار
۱۴۰ ۱۳۰ ۱۳۶ ۱۳۶ ۱۴۲

عبد الحمید جهرمی عبد الرحیم ... عبد الصمد ... عبد العلی کاشانی عبد المطلب کاشانی میرزا عبد العلی خلخالی
۱۳۶ ۱۳۶ ۴ ۱۳۹ ۱۴۳ ۱۳۴

عجیب مازندرانی عشرت نائینی عشرت بهبهانی عشرت تویسرکانی عشق کرمانشاهانی عطارد طهرانی
۱۴۵ ۱۳۶ ۱۳۶ ۱۴۲ ۱۳۸ ۱۳۷

علی شیرازی حاجی میرزا ... علی یزدی حاجی علی اکبر شیرازی عندلیب کاشانی عنقای اصفهانی عیانی جهرمی
۱۳۷ ۱۳۷ ۱۳۹ ۱۴۴ ۱۴۳ ۱۴۶

حرف غین معجمه غارت زنجی غالب آذربایجانی غبار یزدی غمامی یزدی
۱۴۶ ۱۴۸ ۱۴۷ ۱۴۷

حرف فاء فاخر خراسانی فانی فایق آشتیانی فانی ابرقوئی فدائی یزدی فراغی قاجار
۱۵۲ ۱۵۲ ۱۵۰ ۱۵۲ ۱۵۶ ۱۵۶

فرامرز شیرازی فرج یزدی فروغ اصفهانی فروغی بسطامی فروغی اصفهانی فرهنگ نائینی
۱۵۶ ۱۵۶ ۱۵۲ ۱۵۰ ۱۵۳ ۱۵۶

فرهنگ شیرازی فریب اصفهانی فطرت نوائی فنای خوئی فیروزی شیرازی
۱۵۶ ۱۵۸ ۱۵۸ ۱۵۴ ۱۵۸

حرف قاف حکیم قاآنی شیرازی قادر بروجردی قانع جهرمی قدسی شیرازی قضائی یزدی
۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۰ ۱۵۹ ۱۶۱

قدرت کاشی ۱۶۳

کتابخانه
جعفر سلطان القرائی
تبریز ۱۳۳۵ قمری

حرف کاف کامل کرمانشاهانی کامی اصفهانی گلشن نائینی کلهر کرمانشاهانی کمال جبل عاملی کوثر کلهر
۱۶۳ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۳ ۱۶۳ ۱۶۴

کوثر یزدی کوثر کرمانشاهانی کوکب یزدی گوهری تبریزی کیوان طهرانی
۱۶۵ ۱۶۳ ۱۶۶ ۱۶۵

حرف لام لامع ابرقوئی

حرف میم مایل بغدادی مایل بروجردی مجد الدین ساوجی مجرم افشار مجمر اصفهانی محبت مازندرانی محزون ...
۱۶۷ ۱۶۷ ۱۶۶ ۱۷۰ ۱۶۷ ۱۶۹ ۱۶۷

مجلی سقزی ۱۸۵

محجوب تبریزی محرم شیرازی محمد باقر ... محمد یزدی محسن یزدی سید محمد یزدی میرزا محمد نائینی
۱۶۷ ۱۷۴ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۵ ۱۸۴ ۱۷۴ ۱۷۵

میرزا احمد کرمانی ۱۶۹ میرزا محمد علی نائینی ۱۸۵

آقا محمد علی شیرازی محمد قلی خان کازرونی محمود کلهر محمود قلندر محیط کلپایگانی محزون کرمانشاهانی
۱۷۰ ۱۷۳ ۱۷۵ ۱۸۲ ۱۸۵

محمود قاجار
مشتاق نائینی

مخمور شیرازی حاجی سید مرتضی یزدی مسکین اصفهانی مسعود طهرانی مشتری خراسانی مشفق یزدی
۱۷۵ ۱۷۴ ۱۶۹ ۱۸۰ ۱۸۰ ۱۸۰

معصوم خراسانی مطبوع شیرازی مطرب طهرانی مطیع مازندرانی مظهر تبریزی معشوق شیرازی
۱۷۸ ۱۸۱ ۱۶۹ ۱۸۴ ۱۸۱

منتخب یزدی منظر کرمانشاهانی منظری کرمانشاهانی منعم شیرازی موالی یزدی مهجری یزدی میرزا احمد جهرمی
۱۸۲ ۱۶۹ ۱۸۳ ۱۸۲ ۱۸۲ ۱۸۲ ۱۸۳

جناب حاجی میرزا ... کرمانشاهانی جناب ملا مهدی نراقی
۱۸۴ ۱۸۸

حرف نون ناجی قزوینی ناطق یزدی ناصر قاجار ناصری کلهر نامی کاشانی نامی کرمانشاهانی نثار آذربایجانی
۱۸۸ ۱۸۸ ۱۹۳ ۱۸۷ ۱۹۵ ۱۹۸

نجاتی یزدی ندیم شیرازی جناب نشاط اصفهانی نشاطی سمنانی نقیب شیرازی نوای یزدی نوید خراسانی نیر علی‌آبادی
۱۸۹ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۸۹ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۲ ۲۰۰

جناب نور علیشاه اصفهانی ۱۹۱

حرف واو واثق یزدی ... وجدی شیرازی وحید تنکابنی وصال شیرازی وصالی مازندرانی وفائی یزدی
۲۰۲ ۲۰۲ ۲۰۳ ۲۱۳ ۲۰۵ ۲۰۴ ۲۱۲

وفائی شوشتری وقار شیرازی ولی الله طبیب آذربایجانی
۲۱۲ ۲۰۷ ۲۰۱

وحدت کرمانشاهی ۲۰۳

حرف هاء هدایت شیرازی هشیار شیرازی هشیار فارسی همای شیرازی همدم سمنانی هنر جهرمی
۲۱۸ ۲۱۹ ۲۱۹ ۲۲۴ ۲۲۷ ۲۲۵

حرف یاء یزدانی شیرازی سید یعقوب کرمانشاهانی یغمای جندقی
۲۲۸ ۲۳۰ ۲۳۱

خاتمه در نسوان ... ترکمان خدیجه کاشیه زینت تاج فراهانی سلطانی بسطامیه صنعت فارسیه عفت شیرازیه
۲۳۳ ۲۳۳ ۲۳۴ ۲۳۴ ۲۳۵ ۲۳۵

لقاء ابرقوئیه مستوره والیه
۲۳۵ ۲۳۵

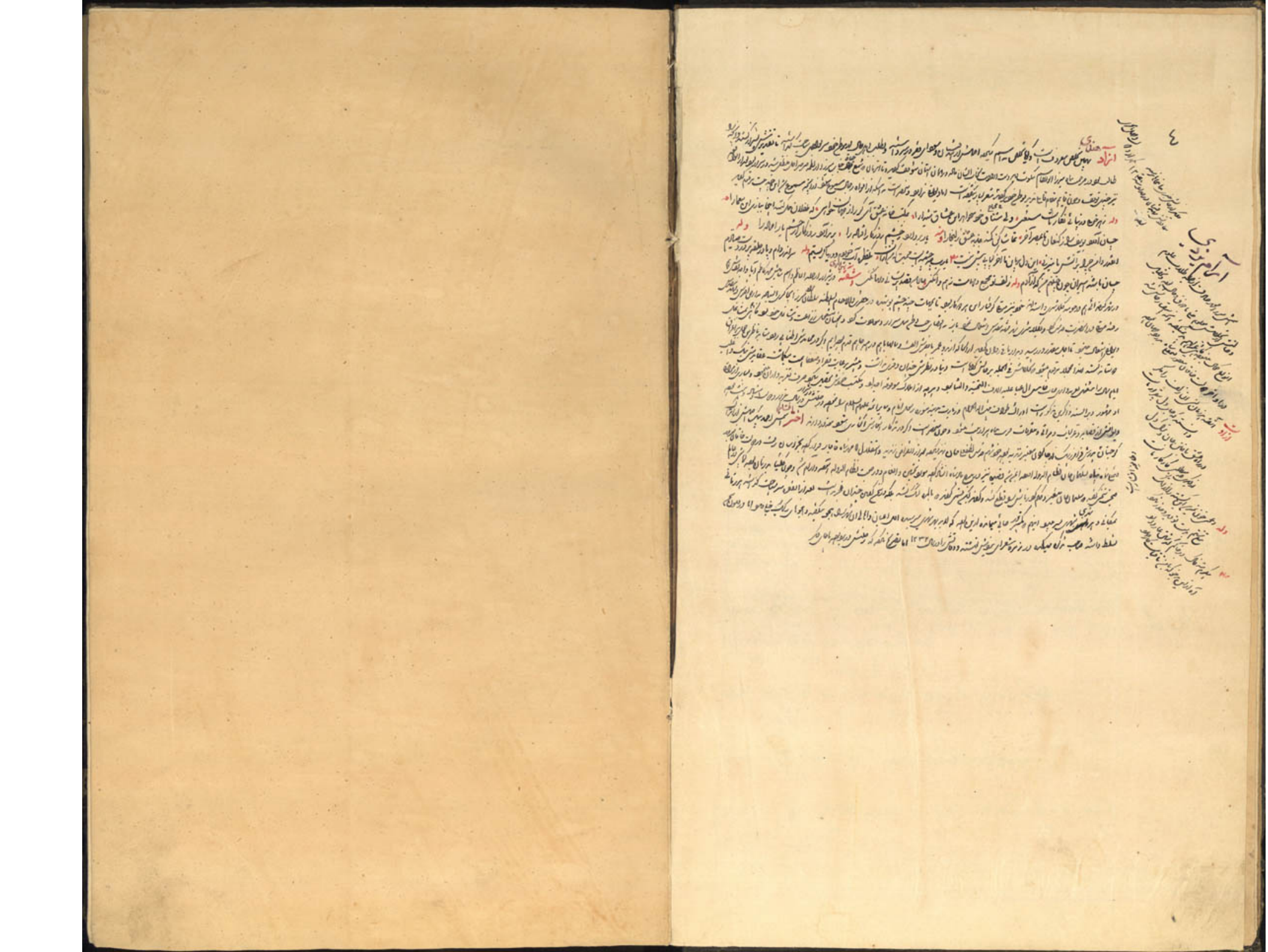

آزاد هندی [illegible]

وله [illegible]

وله [illegible]

وله [illegible]

[illegible]

آرام یزدی

[illegible]

وله [illegible]

وله [illegible]

آشنایان ...

میرزا ابوالقاسم قمی

... ۱۲۹۴ ...

[illegible]

... میرزا ابوالقاسم ... [illegible]

[illegible]

ادیب صفوی

[illegible]

۵

[illegible]

6

میرزا ابراهیم کلپایگانی [illegible]

[illegible] میرزا احمد [illegible] [illegible]

اختر [illegible]

قطعه [illegible]

١٢٧

ملا احمد نراقی [illegible]

[illegible]

شهری یزدی [illegible]

[illegible]

آیت قزوینی [illegible]

[illegible]

مسمط [illegible]

[illegible]

ادیب [illegible]

[illegible]

[illegible]

ولی [illegible]

[illegible]

الهامی کرمانشاهی [illegible]

[illegible]

مجملاً مضمون کتاب و عین توحید

[illegible]

در نعت النبی صلعم

[illegible]

ولی [illegible]

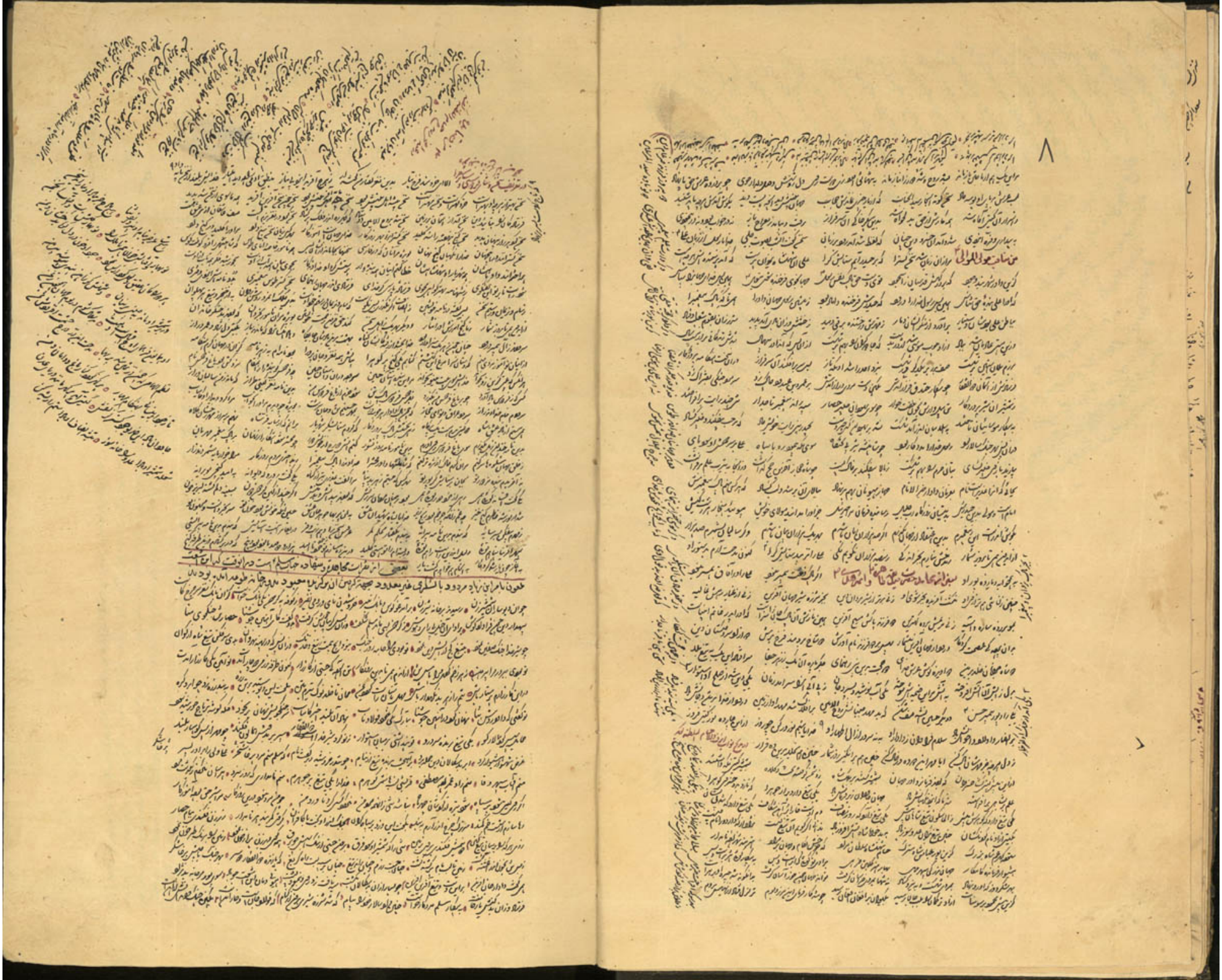

[illegible]

در مناقب مولی الموالی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

آدب کرمانشاهانی [illegible]

[illegible]

حکایت [illegible]

[illegible]

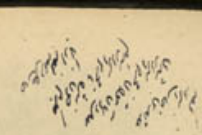

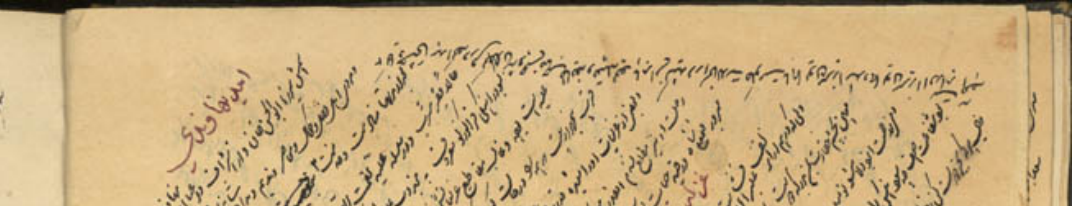

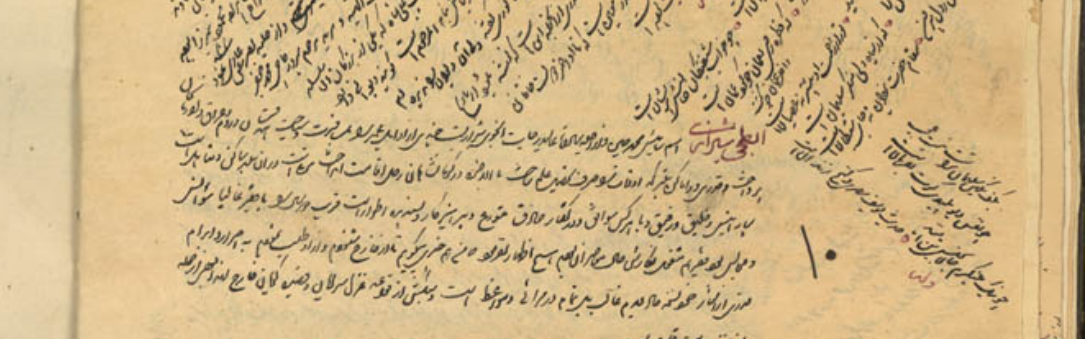

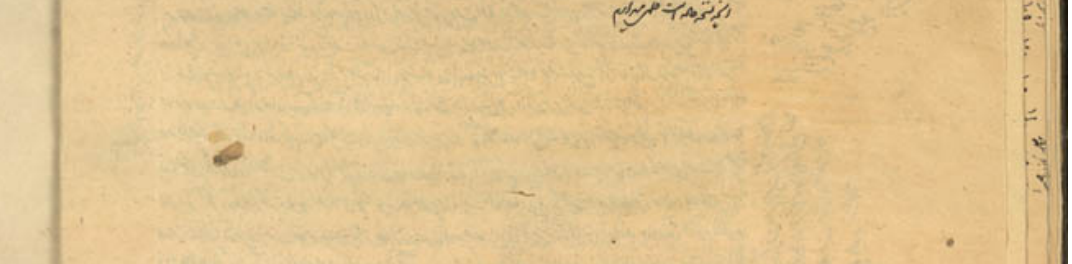

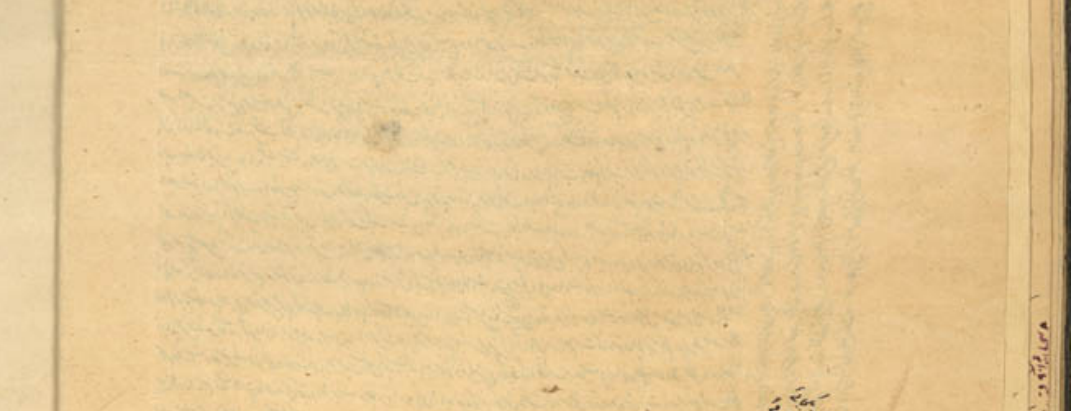

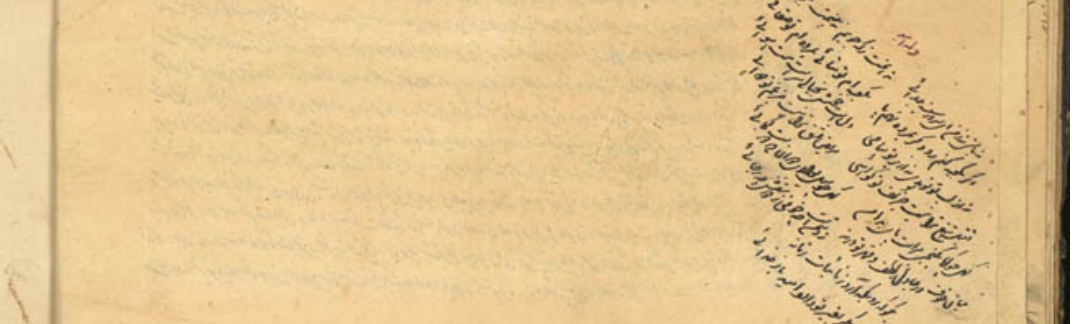

[illegible]

اسرار سبزواری [illegible]

[illegible]

مثنوی [illegible]

[illegible]

ولها [illegible]

[illegible]

وله [illegible]

[illegible]

ولها [illegible]

[illegible]

ولها [illegible]

[illegible]

[illegible]

الفتی [illegible]

[illegible]

وله [illegible]

[illegible]

11 **اسیر سنندجی**: از سلسلهٔ ولاة بنی اردلان کردستان است [illegible]

[illegible]

قطعه

[illegible]

غزل

[illegible]

رباعی

[illegible]

اثیم سنندجی: [illegible]

قطعه

[illegible]

غزل

[illegible]

احمد کردستانی: [illegible]

غزل

[illegible]

امید کرمانشاهانی: [illegible]

[illegible]

الفت یزدی

انجمن شیرازی

امان‌الله سنندجی: تخلص ... [illegible]

... **قطعه** ... [illegible]

بیت ... [illegible]

افسر سنندجی ... [illegible]

افسر قاجار ... [illegible]

سنه ... [illegible]

... [illegible]

میرزا اسحق فراهانی ... [illegible]

آبادی ... [illegible]

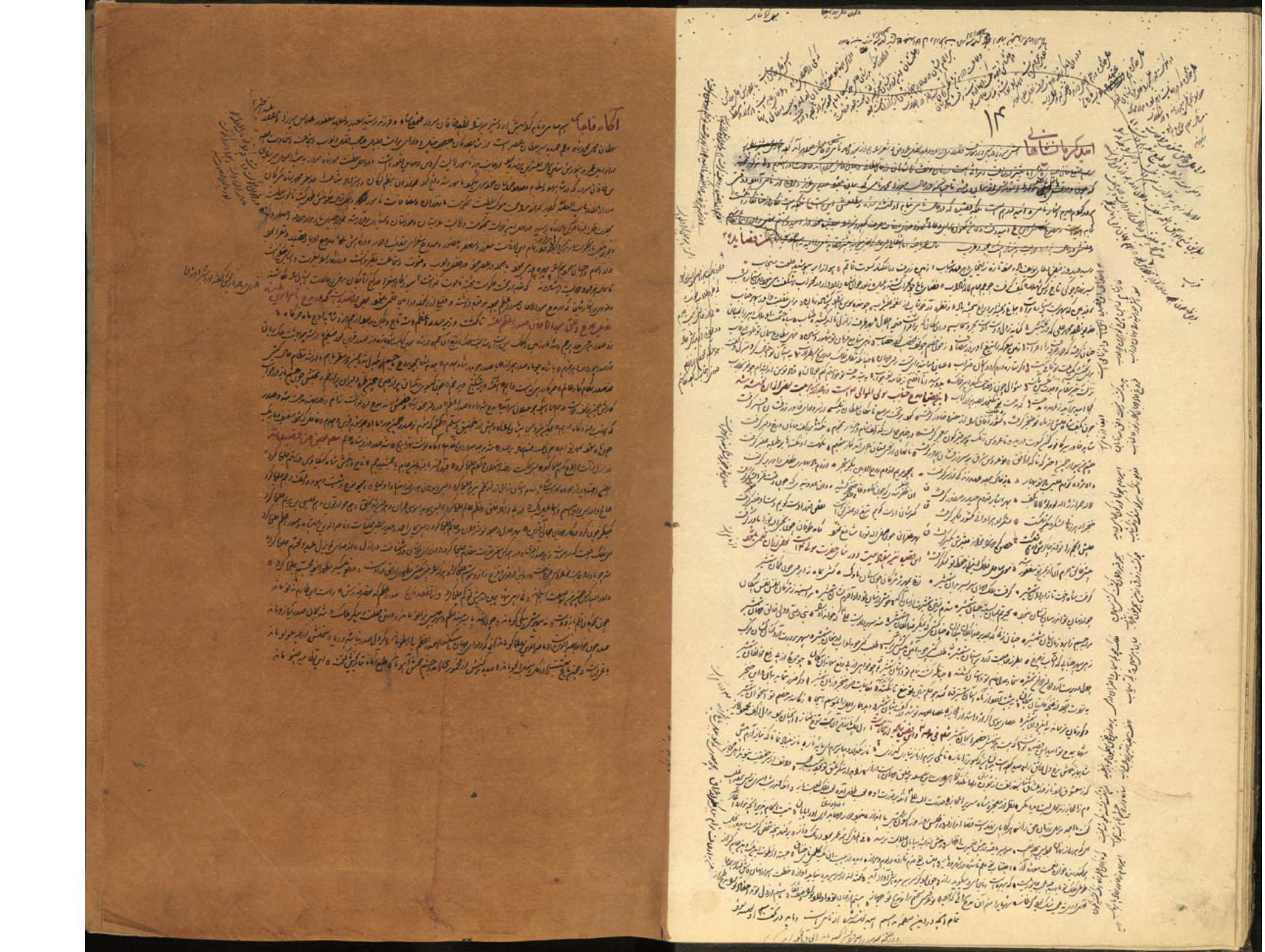

آگاه قاجار

[illegible]

اسیر کرمانشاهانی

[illegible]

۱۵

[illegible]

ادیب تبریزی

[illegible]

آشوب طهرانی

[illegible]

آشفته قاجار

[illegible]

افسر اصفهانی

[illegible]

افسر یزدی

[illegible]

ایمن کرمانی

[illegible]

[illegible]

بهار یزدی

[illegible]

بساطی افشار

[illegible]

محمد اسمعیل شیرازی

[illegible]

من القصاید

[illegible]

بیضاء قاجار

[illegible]

۱۸

سید ... یزدی

[illegible]

بقای اصفهانی

[illegible]

بهجت قاجار

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

برق اصفهانی

[illegible]

مرغ قبله‌نما [illegible]

[illegible]

ابرق کرمانی

۲۰

[illegible]

بن ربیع صفهانی همش ربیع ارزان در حقیقت کشف بر سم می‌کنه از بقاها ماه ربیع بابت در ربیع ماه صفهان و مه معشوقش
سر مصطفی را امید علا فضلا و حقوش در مختصر و حقوق در صفهان سر آمد حاضران بلکه از نصف علی سر حاضر هم اعانا مهربانی و لطف
اهوالا و بلکه فاتیر را بر جولیت و ما بی‌زبان چین نگفار و مصاحبت سلوک صاحبه فا از ربط ه و صفوف هم بابت دانگون
در آن نهر بر دارد عزت و احترام و افاده و در تبریز نمی‌تواند است اما در عاشر عز لسرا می‌خرج است لعصر از که اتباع شه محمد معصوم

این علوفه بیکرا نکه شم مجو سوار آدات • در دل بهار زلم و بهزاد رفو زار آدات • انکس که شیخ با زبان کهنگو زار آدات • بهمان جبه در سر حسنجو زار آدات
ساقی گرجیم ال‌ها ماه مجو زار آدات • خوش دلم زنده بیان مجو زار آدات • با دلگرفت بقش شاه دلم غمش • نظم سر بر هوست دانش شستشو زار آدات
عارف بزرگ بکلیم از دوست • بابت از نقطه شاه دوام سجو زار آدات • از شیخ رشت ترجمه بهکس و دلنگ • از جیم بلوکات گرفت دهو زار آدات
از بهلکه غیر دات بر دیم و لی غیر • سلطان بر دیه نا بلیش لعنگو زار آدات • کجا کار رنگ لعبر که بر دیگ دات • با دلگرفت که هر دلگ دات
ست است اگر ربیع نه از هم ۱۲ آدات • دیدار دات جبه و پشم آدات • ولی الوا بر هم بر هم بر کوی یار دات • با نقطه بر مقصد دو دیا خوف فار دات
دو پله ز ریز ان طاقت دیدات • در جشن ربیع نصب ایلیا و لدار دات • حوش دشمنان که کوس عیر مارا مار دات • ابدا دل ا تدا مارا عیر بار دات
نسبت عاشق آگد دلدا له از حور قصب • در دیار عشق شیار ا بکس دو دار دات • چه که مصطفی بر خرقه زرد ار دات
با حاجب چشم سنتر بن ش کلم عرعه • فرد ا جشم بسی حاجت در نظارت دات • سعدیه ۱۰ عاشق ابدا نامه دل فرصت ۱۱ ذکر آدا که زحوی یار دات
گفتیم زان دل ش بیت بجز ا دلیلا • سیاه خا مهر مجد دار دات • آن خدا فنا نصر که فرد ا نظار دات • هیچ بر مجد بخواه دا در نظار دات
آن خدا دهر که ا بهره عاشر که ربیع • و عشرت هر خاصه صریح الفاکه دات ۱۲ • هر که از جشم با بهار دات • ماه ربیع از قصت بر شه ا دات
گوش جام و صاف ربیعی جشم بر دیا دات • گه تقوی ا عاشقش • از بهر صوفی خرقه زرد بخشه • ا بهره الفاظ بر زیر دیا دات
در ربیع بابت با بهرش نه بیم بسر معصوم ا سود دات • جرات دلم ا دلی مجد بر جشم با بهار دات • عقده علما بابت خورشیه • دوستم زان چو طوطه ا بار دات
با بر فیر آتم بر سر • جشم دو خرد ربیعه بسر دات • نه ند ا نظار ربیع نبیه ابتم • در بهره نوبه دل ا نه آ • بسر ع ا بره ا خرد ات
کرجشم ربیع می بسر کعبه بجد ا بره دات • ولی بیکاه نامه ا بیه بجد ا بره دات • ناشاع فرار کعبه بسر ا بره دات
خرشیه رخون ا م نخواه نامه ا بره ا بره دات • سوجه ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
ارجشه بر بر بسر جوار صعف • ما بی ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
زان سیاه دات مرد ز جوف بسر دات • جشه ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
نقه گرجه ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
من زلف تو تو جو جشم ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
گه زلف تو تو جو جشم ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
دو بهبو جوان ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات

بهار شیراز ۱۲ همش ربیع ارزان در حقیقت کشف بر سم می‌کنه از بقاها ماه ربیع بابت در ربیع ماه صفهان و مه معشوقش
سر مصطفی را امید علا فضلا و حقوش در مختصر و حقوق در صفهان سر آمد حاضران بلکه از نصف علی سر حاضر هم اعانا مهربانی و لطف
اهوالا و بلکه فاتیر را بر جولیت و ما بی‌زبان چین نگفار و مصاحبت سلوک صاحبه فا از ربط ه و صفوف هم بابت دانگون
در آن نهر بر دارد عزت و احترام و افاده و در تبریز نمی‌تواند است اما در عاشر عز لسرا می‌خرج است لعصر از که اتباع شه محمد معصوم

این علوفه بیکرا نکه شم مجو سوار آدات • در دل بهار زلم و بهزاد رفو زار آدات • انکس که شیخ با زبان کهنگو زار آدات • بهمان جبه در سر حسنجو زار آدات
ساقی گرجیم ال‌ها ماه مجو زار آدات • خوش دلم زنده بیان مجو زار آدات • با دلگرفت بقش شاه دلم غمش • نظم سر بر هوست دانش شستشو زار آدات
عارف بزرگ بکلیم از دوست • بابت از نقطه شاه دوام سجو زار آدات • از شیخ رشت ترجمه بهکس و دلنگ • از جیم بلوکات گرفت دهو زار آدات
از بهلکه غیر دات بر دیم و لی غیر • سلطان بر دیه نا بلیش لعنگو زار آدات • کجا کار رنگ لعبر که بر دیگ دات • با دلگرفت که هر دلگ دات
ست است اگر ربیع نه از هم ۱۲ آدات • دیدار دات جبه و پشم آدات • ولی الوا بر هم بر هم بر کوی یار دات • با نقطه بر مقصد دو دیا خوف فار دات
دو پله ز ریز ان طاقت دیدات • در جشن ربیع نصب ایلیا و لدار دات • حوش دشمنان که کوس عیر مارا مار دات • ابدا دل ا تدا مارا عیر بار دات
نسبت عاشق آگد دلدا له از حور قصب • در دیار عشق شیار ا بکس دو دار دات • چه که مصطفی بر خرقه زرد ار دات
با حاجب چشم سنتر بن ش کلم عرعه • فرد ا جشم بسی حاجت در نظارت دات • سعدیه ۱۰ عاشق ابدا نامه دل فرصت ۱۱ ذکر آدا که زحوی یار دات
گفتیم زان دل ش بیت بجز ا دلیلا • سیاه خا مهر مجد دار دات • آن خدا فنا نصر که فرد ا نظار دات • هیچ بر مجد بخواه دا در نظار دات
آن خدا دهر که ا بهره عاشر که ربیع • و عشرت هر خاصه صریح الفاکه دات ۱۲ • هر که از جشم با بهار دات • ماه ربیع از قصت بر شه ا دات
گوش جام و صاف ربیعی جشم بر دیا دات • گه تقوی ا عاشقش • از بهر صوفی خرقه زرد بخشه • ا بهره الفاظ بر زیر دیا دات
در ربیع بابت با بهرش نه بیم بسر معصوم ا سود دات • جرات دلم ا دلی مجد بر جشم با بهار دات • عقده علما بابت خورشیه • دوستم زان چو طوطه ا بار دات
با بر فیر آتم بر سر • جشم دو خرد ربیعه بسر دات • نه ند ا نظار ربیع نبیه ابتم • در بهره نوبه دل ا نه آ • بسر ع ا بره ا خرد ات
کرجشم ربیع می بسر کعبه بجد ا بره دات • ولی بیکاه نامه ا بیه بجد ا بره دات • ناشاع فرار کعبه بسر ا بره دات
خرشیه رخون ا م نخواه نامه ا بره ا بره دات • سوجه ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
ارجشه بر بر بسر جوار صعف • ما بی ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
زان سیاه دات مرد ز جوف بسر دات • جشه ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
نقه گرجه ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
من زلف تو تو جو جشم ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
گه زلف تو تو جو جشم ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
دو بهبو جوان ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات
ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات • ا بره دات

[illegible]

بیضاء اصفهانی

[illegible]

پریشان شیرازی

[illegible]

عماد الدوله بیضاء قاجار

[illegible]

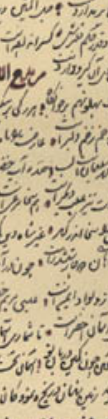

... الامام الناطق بالحق الصادق ۴

بیدل ... الاصل ... مولد و مسکن

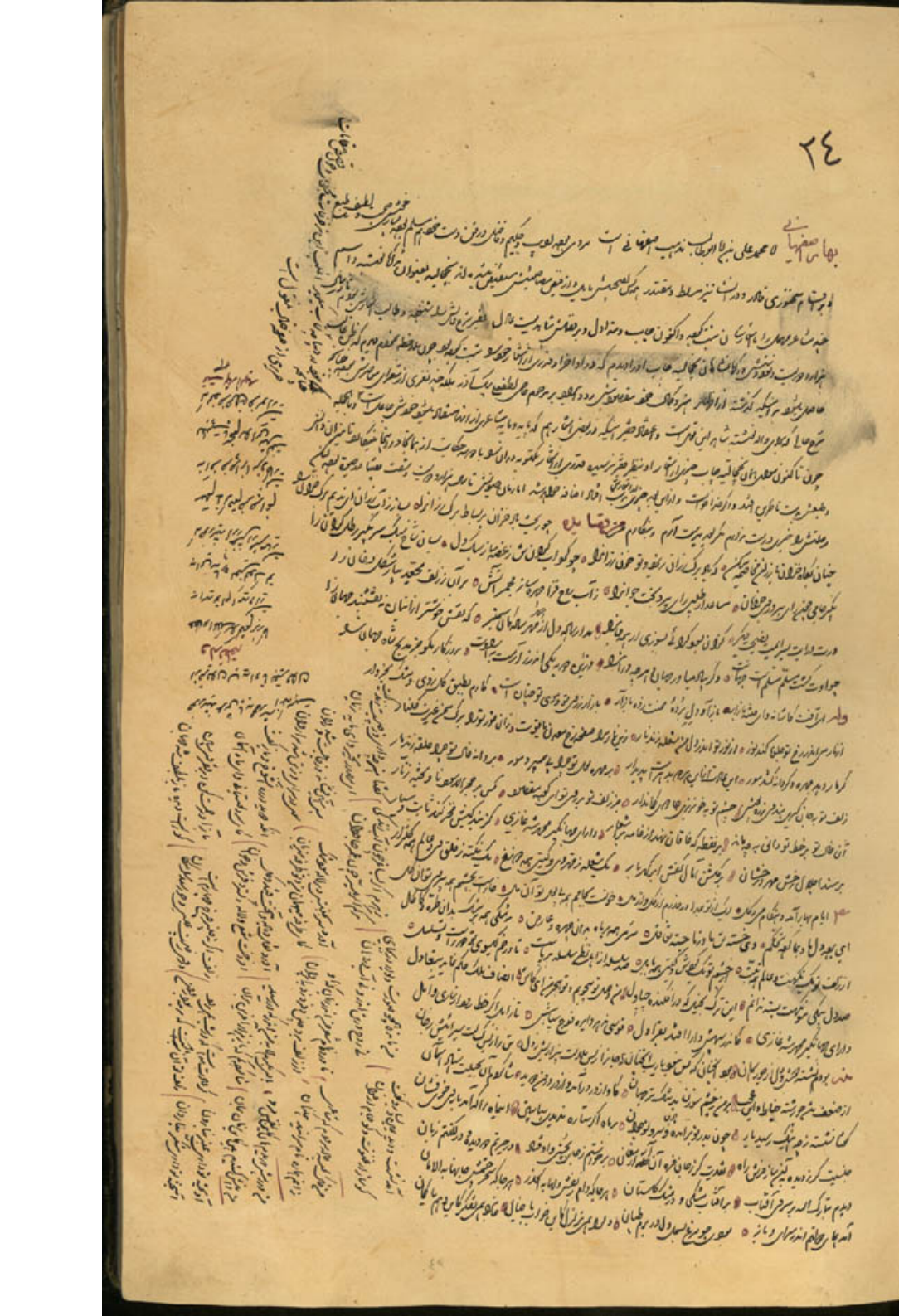

بهار اصفهانی محمد علی ... اصفهانی است ... [illegible]

[illegible]

... مرتضی قلی ... [illegible]

[illegible]

اما الکتابات نظر بر حیله کرده لفظ زرکوب است یعنی آلیه لیست مشوه **ادیرنگ** حیوانی است خاکدار و شهر و خرنگ و نامش مسلمه شعرا را با یکدیگر نگ
همش پیراهن احمد براق و در اقلیم اندلس مشهور جنون هواره فایق و در هدایت احوال در مرگ طالب کتاف آب و کتاب روشن را هوای ان را بشتاب
از خداوند عزیز و آن حیوان غلیظ است از اول مدته که سلطان و احمد اورنگ با هیئت بشر را عدم بیجان قرین حضرت خبر بر هم با بیجان و نعمته با و سراغ پرورش
سایه بنیده هست و مخصوص جویج که زمان طغیان آمال و آه هیئت عالم و از اهالم شیراز و هوا من مخالفت با بر هنر را هنر آمد و ما جندان استخاف بر آسیب
غالب بود که مصنوعی بیت هر که تشبیه است هر گز نوی عشق نگو نشوار ای دوانگ با بوی ۵ خرخراف در احوالش ارزی و خرفرداست در حضرت ثری
جنبید بیت آه سحر ز ترکند در نگاه کند بر تو تنگ دل اثری ۵ هر چه جنبید علوم هیئت بشر چو هنر معلمات نظر بای زهره مهیای عرضه
اذا کان الطباع طباع سوء فلا بغنیه تادیب الادیب ۵ فراهنش سلک با جندان و خبا و نش را با یه آنان نیوی که اگر از اقران و انوا اجیل
فرق نمودی مقدار امر عنبر ظریف که زبان سیاستش بیت بخش محلیل الس و سلمان فضاحت ترجمانش نورده مضاف ندی نمودی و دیگی از مهر ارس
با او هم مجره و هم عزه آمد بیت ربیعا ارقرین بدر زیار ۵ وقتا ربنا عذاب النار ۵ و هر شمس معذب روح و هر با بد لولوس سدد و شوع آمد کی
آورده اند که در ان عهد رسم نوروز نامی بود که تمام و عالم چو بشتر از صبح عید و طلعت سلیکو بهارش بهتر از بهشت جاوید و بید طراوت جانش بهره باغ جنان
و اعتدال خاطرش فعال گلش سرو روان بیت در نظر باغ ان شوخ جان زیبا بود ۵ که زیبا بالوکم کفا و بها بود ۵ علم از که تعلق نه بدان رنگ بدین
نه بدان نوی و بدین بوی نه بدان لون و بدین طعم هو الدیم و الغمام کلا لو الب ۵ آن شوخ سیمین لب در بهنا گاه بر تصید فنون لعب و هاشیخ قلوب اهل طرب
استعداد و اشت و اخوف بسلاح جانا نی هوسی بشر اظلم خشمش شکار و خطاب بدین گا نامش بدین عاطف نرم لعبو بیت عارضی
و لو فلم الغیب فی شق بیاض ۵ من السقم ما غیرت فی خط کاتب ۵ روز از شب و اندوه از طرب با زندانستی هوسته در جو هر اول گلهی و هم بدانسته
عالمه قدر بیاض بر بهاگاهان بشر نا فهم از انجمله و انهم ان رسیده روزی آن مهر نگ چو با بر و گاب پرسیاحت اهل هر عرضه اما
هنوز آنها در جزء ما هر بهنای فان شاه ما زاندم صوت آرین گشته که او بنگ دیگ ۵ چون سر هر با در میان آن هر نگ نهاد و نیان و اهت بر آن شاه
که او بان از قبل بدگمان مقتش دانش از بر له که ایمان و دیع دل از ظره خیان سطر و بهن از با با یکی رلوان است ۵ با بورز سیه چون چون روز بر عالم حرام
و حق عنه ملک الظلام است که من نظر الی غلام نبهی کا نما قتل علیا سبعین مره ۵ هیئت صبح است و خوانی هر یک ۵ لا فرخنی و انش کیا کید
کیا او با بر طوت عادات و بگر از بس الطیار محاکات تمدنی هر یف چون دیه که با هر گاشان در بنگ گهر و آنان در بنگ گهر و آنان در بنگ گهر
سعوت در ترک الف فهم چند بدیع انوری و شیخ را بر سبیل سیاحت و دیعی نفس بلعبه چون غالب از سنی فاش شیخ نظامش رفت ۵ از رفیق او
بر له طلعت نوزاد نه چهل طرب ۵ گو بنی نیست بنظرت که ها حلب است ۵ و دیدار از دکرت حضرت آزاد دست نوی و هر با هر که نبود زنه عبد حلب است
آن سطر آنش از بر که نوانی است ۵ افعی کا هر با هر مر جان عصب است ۵ صفحه خاطرت از رشت سیخ سوز ۵ سطر با هیئت که مکتوب بان اب است
ما هر طبع نوا با زنه بدان قوی است ۵ که در او نا بیه عیش و طبیعت عرب است ۵ نا بهن بهت که گو نفلن مدیع نبات ۵ جنت اعلی اگر آمده بهت العلب است
بوالعجبیت گرت بهره شعر زنده زنده ۵ بنگر آن کنده بهین گهان نو العجب است ۵ اگر کنم چشم هرانی کلط در خرخشن ۵ کوه ابهوره جیام و بهلب است
و بن بهلو نرکی اگر زنده بر هم عجب ۵ نا بی علام عجم و هنه حیرت است ۵ چون این نهار بر هر سیه بهن بهره نا فهه جنده نوکنه نا انعار بحوش کبهه است
بهره سعدار فهم و لور کشن در ای کهنیه صبح و نبت انده ۵ و هی هذه ۵ ایکه دایم غم نورز نو نلا و رز بت است ۵ کبهه اگر که بوری زنلده عجب است
نوندانی که نیابد به بر عاشق نشه ۵ ما نشی ما ری زنان و هنش نو خت خواب است ۵ محصیت بنگر آهو کهنهم سیری ۵ آتش و رح و جسم نوزان چون حلب است
ما بر جنه نیا و ما نش نصیح بنگر ۵ هر سوال بشر آب که خبی نوب است ۵ مذت نیح علی زنو و بر نو بنگن ۵ و رنه عا نی ازین گفتن نوز اب است
هر و ما بر نو هلی زبان لبعه ۵ نو جو د لو فر بندی عقد بر ان سبب است ۵ سفر مرده بعد از ملا هلی کتاب ۵ حرف بر اسفه و الصوح و هم لعب است
حصه خرد م که بهنا نو نم بهم ۵ ما ل سرال فر بعضا بان بر علت حرب است ۵ نکن بن شنا بر سنان و ربنا بر ۵ عنه نوز نه ای به عیش و طرب است
رحمن نوز نه زرد نو ترا ربه زنان ۵ و رقران جان نو امر غم او در نصب است ۵ ترک کن بحث اندر حرف فلا هر کس ۵ ما لک جرنج از او ضیع نو اند عضب است
مشر طلب بده قصه نوروز بکو ۵ ای اهر در بن کهلان مدیح ادب است ۵ ارقی شنا و لفظا و سکوت نفضول ۵ جان او دنگ ز لعبا نو دایم عیب است

فلان مشخص نیز است و این با هیئت سلطنت بهبود مظهر و مخصوص نا هیئت عمیر و آوازش مصداق کریمه آن انکر الاصوات لصوت الحمیر
آورده اند که در شب اسری که محمد با زرنگ طویله کرده و از آنجا بر سر بر مجلد نظاره کنان او بن شعر را بر لسان لفظه شعر
گرجاع این آیات نا بس هر شکنه برگ ما سر بندان این شعر هران خدا و نشر را بجندان و هر آنش را مایه نان که انبار ایکان کا نک فرد و هوس کج
ساریع آرد دیگر نه شیخ بهت نو شه فرشیاق انگه بهر شش سو ما نک صنع نفرو شد هواه نامل ما ری کنبی کج و بهیئت معون فرب سیاه بر سطح
و ایم مرک عبر ایضا و انه مرا می انگه مرش سپلوا آرد بیت رزه رنه کا مزدی ارض و سات ۵ مدن هیئت سیاه عجو نگاه و کو بهت ۵ جوار نان سلو جرا بر دم و بان
نه نانه و ستر ال نان با و خرطوله دو لان کوانه بیت رزه هر شکا نه که عقد نقاضا مر کنه ۵ ایکه خود نشت رنگانه نما سر کو ۵ سه ها نکه کهنه کوانه حلب

و هی هذه

ای پدر که بنده و رهندی ۵ نا نکی به هر خانه نخه بندی ۵ لبهای تم چو بند نو نهند ۵ زنهار که دل بها دهندی ۵ دست منه و هلقه ها بر نقش ۵ با بشتر دلاله بهندی
ما نی نجو هر چو تو چند ۵ دیده هنوز چو تو چندی ۵ ایمانش که در طویله بوی ۵ نا کوی فروش با نکندی ۵ ز نهار نو ان اژدها نه بهوات ۵ و رهنه بگانه کو نهندی
ز بوده دیده بخوب بنده ۵ سخن تازه ز دلی بر نهندی ۵ از حضرت بای قت دایم ۵ ان رنگ نوم کمندی ۵ گاه هم ره ز ره جان زبان ات ۵ وان کار که رست کو نهندی
هر جا که سیه سر آبنه ۵ هر سنت ز کن بر نگ شید ۵ من خاک کو ز کا کوه نا بیک ۵ با جمله عشق جدا بیک ۵ چون خنه کهایم کو ز ۵ چو صفی عصا ز جنگ بیک
صد جد بنده از نو نک شنو ۵ صد نغره ز ار ز نو نک بیک ۵ از سینه او کو کبای با نع ۵ بر بار عروج بو تعلیک ۵ از ابله جشن ز اگهی نه ۵ من خاطم ز آب نا بیک
ای غم نو با نک نو ام ۵ من خوف ز نگ کرا ب نشلیک ۵ به کن ز نگ کرا مگ غر ۵ در حالت من چو ز نگی نیک ۵ هر جا که سیه بر سیه ۵ هر سنت ز کن بر نگ شید
از کم خت و ما نع ما نک ۵ هر گز نخو مر گنو ما نک ۵ ابار کم جدد نخو نت ۵ بر نت ز من ز بن الاک ۵ حصن ابله سلد کر نعلم ۵ نا لان خانه هر جو ز نه خاک
خا نک به کهیم ۵ ما نو ز بن حضه خا نک ۵ بس ز بن حرا بع ز اسید ۵ حصه عمر نخو ام اما ۵ صد عمر نخو ام از نه آلاک
هر جا که سیه بر سیه ۵ هر سنت ز کن بر نگ شید ۵ ابود که بهکنت با کن ۵ نو با ز بن عالم و بس ۵ من خاک ان ۵ حشم احوال من ما با ز ان و ما ع انلس
صلا ز بنا ز نظام ابهره بر که ز نبا لبس ۵ ز نخاب ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن
کر ز نبر و با با ن ما بنه کن ز نبا ز بن ۵ ما را بنه ز نبا ز بن ۵ در بت نم ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن
هر جا که سیه بر سیه ۵ هر سنت ز کن بر نگ شید ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن

والله جوانی است فطرت و عزت از شعور نام بهشتی چو هر کاظم بسلوه بعبارا از عاظم انطباعه که او را فوت بر بنجه راتع مال سرور بعد
ع مصاب قوم عند قوم فوائد بیت لیکن ما کم عبرات و است با قدر و ام کرشه با ام خرید که کتاب بهرستان رلان نامه بر ز بن نصوص خواجه نظر ش رسید
برد بهره تو داری کو ز دیع دارد ۵ که بعد دیع زند روز کار تیغ بلدک ۵ از زبان بر خواسته بر ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن ۵ ز بنه ز بن
و صف صفه اشکم کر ان عالی الطلاع و اشته در عرش بر آمده گفت متاع بهره رفت به بهرات خواسته اذ بیش گفته با ما خواهد و خواسته
سلطان العلما که مقدار کریمه ۵ و من حلمه کان آمنا و بیت انه است و بتقدیم بعض ز بات بیت بهوار با نی انهاش بر خواسته بهوس و موضوعات
الفاظش بر مهلت تحول صحبتش مکرر الفاق فهاه انهار و ابات بشمار و الله این هنده شود که بعض ز بات بیت بهوار با نی انهاش بر خواسته بهوس و موضوعات
ندیم و نشیدم در بن باس ۵ به بهر حر بر با مرد قی فارس ۵ سخن زده با ی ذکور و اناث ۵ عروض سه بهر کلاه کرباس ۵ حضرش عرض خواهد نان و باس
بحیه با ش سه بهر هنده بر قاش ۵ با لای خاطر شکنش سر بر نه به ۵ با نام بکنده حکم الله کهن بعضی بر باس ۵ در دار با ی کرا ن سمع الهی عبد قاصر با س
لیکن در آن عجوه حکا بات فکر م که محصل است ترین ترار این حکا بات بر قومه که نهایت حضرت کا کهنه حضرا ن است و بی کهنه نهار ان است
بهین قدر اکتفا نخوم دا م

ترابی جابری [illegible] ۱۲۵۰ [illegible]

قتلی شیرازی [illegible]

ومنه قطعه

[illegible]

تمنای یزدی [illegible] ۱۲۶۳ [illegible]

تاراج شیرازی [illegible]

[illegible]

۲۹

وفتی کاشانی

[illegible]

ومنه

[illegible]

۲۷

ثاقب کرمانی از سلسله بزرگان ... [illegible]

[illegible]

من القصاید [illegible]

[illegible]

وله [illegible]

ومن الترجیع [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **وله** [illegible]

جامع شیرازی [illegible] **وله** [illegible]

[illegible]

جلوه شیرازی [illegible] **وله** [illegible]

جلوه شیرازی [illegible]

حیجون یزدی

[illegible]

علی صفهانی

[illegible]

میرزا جعفر [illegible]

ملا جواد فسائی

[illegible]

جلالی بافقی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جوهری کردستانی

بهمن حمزه بیک از بخارا بکردستان است در صناعت دلاله بمرتبه اول در عراقین رونق است فقیر را با او رفیق و در عراق با او همراه بود

رفیق گوهر آبدار بیکران ز دریای خاطر شریف سحاب جواهر بار بیشتر رفیق مزاجش بمرتبه اول در عراقین بمرتبه اول در عراقین

رفیق همچو خلق کریمه گرمی انفاس • دگر بمرتبه اول در عراقین

کسی بجوهر قدر امام از جواهر نیست • مدار کار بر او نیست بر کسی که بر اوست

چون کار جهان و خلق بر ایزد یکتا گذاشته • بیکدگر جهان را بر آسمان گذاشته

از خلعت افلاک مزین نهاد آن • در آذر گشسب آتش خود در نهاد آن

منظر لطیفه سیاه و در تاریک خود نهاد آن • بعضی که بخلق خلعت بخشیدن لطیفه

ذهبیم آتش الهی از آن شک فرو نهاد آن • ما و ملک دی بر دلی از هم زدن نهاد آن

ان خط که بر لب او تازه رسیده • کیخا طلب لب لعل تازه رسیده

جوهر طهرانی

بهمن پیوسته همه پرسش جوهری دیگر کنار بازار خود نشسته بود پرسش جوهر طهرانی

سنگ بر شیشه نهاده و جوهر چشمش بر قرار • و علم جوهر یکسره و اوصاف علم جواهران

از جهان رفت • جوهر طهرانی با جوهران • ملکوت نهاد گفت شوانت لسر بحیوانات

تیز بر بحر و نهادت بجوهرات • آگاه در صحرا و اطلاع خیلا الابلا حرکت

بلطفان رفتم • او از گشتاشم • و از آن وقت تا حال • هر وقت لطهران رفتم

ذکر دست بسیار بحر • اگر بس عالمی بگیر بحساب • و ملک از خرد گنجور

قسم شعر بلا عیب بگیر • در بسیار بهم خوبی حکایت بسیار بدانند

سر نهادن فتح آن هنر دگر که بس دلبر بحر • چون در صدف • اگر دو دانه بیکدگر بسته

همچو مروارید گرد نقطه آن دانه • سر نقطه ها که از هر دو طرف آید بهم خوانند • سر نهادن گویند

• چون قرن زرد و نقطه آن چین • گرد دانه بیکدگر بسته • اگر دو دانه بیکدگر بسته

گرد دو سر آن هر کی سنگر بسته • گرد این چنان حرف خط آن بیکدگر بسته

خط خلش علم کیا آمد علم نادر نشان • هر جا دو سر شنگرف بسته • علم نادر نشان

باتو گوید بسته گرد حمت آدم بسته • این چار نام از فارسی سر بسته • هم بسته نشان آدم

کی بجنبانند بیاطم بر خود موج • گشتی آن فلک سلسله از حلقه بسته • گوهر آن کی بحرف

سته تراز آن بیش هنر چاه و بسته • هم دو کی نقطه با چین نهاد آن • انگشت الاول فهو بین بسکند بسته

سست مقرر ثابت این بر کوه سر • و در جهان چنین دو اس فرق با شد بسته • با سر سوی

زال گرد کیا بهم کلک بسته • گفت هر با نیز سر با نه با دو بسته • بجهان آن هنر نشان بسم

گرز بجوز نیز سر حرف هم بسته • انگشت در هر یک بدو الفش ما با دو بسته • تقش الاصبع

بجوز منع حمد با دو بس بسته • نا بر نگ شیشه نهاد آن • بهر آن نشان آبهن

ملک از عدل نشان بشت نهاد آن • حرف کرد نقم ملکی نوز بسته • چون حرف کرد نقم

ماه دو دانه کاین او بسلد بگیر بسته • نیغ بهر سو تو خرس بسته • چنین و خته کی

نیز دو بگیر بر الفون آن اندر خته • نا نه قوس قزح بسته • نا مه دان نوز بسته

محمدحسین مجرانی الاصل ساکن زنجان [illegible]

[illegible] ۱۲۵۲ [illegible]

[illegible]

میرزا محمد حسین کرمرودی آذربایجانی [illegible]

[illegible]

الصدر اعظم من [illegible] والبدر [illegible]

[illegible]

فمن سهل الله امری ای [illegible] فضل الله [illegible]

[illegible] على الرحمن [illegible]

حکیم شیرازی [illegible]

[illegible]

حالت کرمانشاهی

[illegible]

حلیم یزدی

[illegible]

حسینی یزدی

[illegible]

حکیم طهرانی

[illegible]

منیر لاهجی [illegible]

[illegible]

۴۲

[illegible]

حسینقلی خان سعد الملک

[illegible]

حاجب شیرازی

[illegible]

حامد عرب

[illegible]

مرتضائیه

[illegible]

٢٤

[illegible] منه غزلیاته [illegible]

[illegible] وله [illegible]

[illegible] ومنه رباعی [illegible]

[illegible] وله [illegible]

حبیب یزدی

[illegible] منه قطعه [illegible]

حبیب یزدی

[illegible] من الغزل [illegible]

حجاب [illegible]

[illegible] قصیده [illegible]

[illegible]

[illegible] منه غزلیاته [illegible]

[illegible] منه غزل [illegible]

[illegible] ومنه رباعی [illegible]

[illegible] ومنه قطعه [illegible]

حجاب شیرازی

[illegible] غزله [illegible]

حسرت همدانی

[illegible] منه غزله [illegible]

[illegible] وله [illegible] منه [illegible]

حسرت بروجردی

[illegible] منه [illegible]

الحاجی محمد حسن یزدی

[illegible] منه [illegible]

آقا حسین جهرمی

[illegible] رباعی [illegible]

حیران یزدی

[illegible] منه غزلیاته [illegible] وله [illegible] وله ایضا [illegible] منه رباعی [illegible]

[illegible]

خاور شیرازی

[illegible]

حیران یزدی

[illegible]

حشمت قاجار

[illegible]

خاور قاجار

[illegible]

خاقان

[illegible]

[illegible]

مجمع اصفهانی

[illegible]

حزم شیرازی

[illegible]

حزم شبانی

[illegible]

حیرت کرمانشاهانی

خرم رشتی

[illegible]

خرم قراجه داغی

[illegible]

خرم شیرازی

[illegible]

مِن غزلیاته

[illegible]

دیگر

ایضا

خرم

[illegible]

مطلع الثالث

[illegible]

خاور ونبلی

[illegible]

میرزا بدایع

[illegible]

خرم شیرازی

[illegible]

من قصیده

[illegible]

مجمر اصفهانی

[illegible]

خادم طباطبائی

[illegible] ... سید علی بحرالعلوم ... [illegible]

[illegible]

خسرو سنندجی

[illegible] خسرو خان والی کردستان است [illegible] امان الله خان [illegible] ملک [illegible]
[illegible] حکومت کردستان [illegible]
١٢٣٩ [illegible] منه غزل
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] وله [illegible]
[illegible] رباعی [illegible]
[illegible]

خرم خراسانی

[illegible]
[illegible]
[illegible]

خرم سنندجی

[illegible] میرزا عبدالله [illegible] سنندجی [illegible]
[illegible] لطفعلی خان [illegible]
[illegible] لطفعلی خان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ١٣٠٩ [illegible]
[illegible]
[illegible] قصیده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مطلع ثانی [illegible]
[illegible]
غزل [illegible]

حسرتی قاجار

[illegible]

ولـه

[illegible]

خاقانی شیرازی معروف بجلالی

[illegible]

ولـه

[illegible]

خاوری مازندرانی

[illegible]

مثنوی

[illegible]

ولـه

[illegible]

خسروی کرمانشاهانی

[illegible]

خلیل
قزوینی

[illegible]

دو بیت

[illegible]

جوشن کاشانی

[illegible]

دانش تفرشی

[illegible]

دارای قاجار

[illegible]

٤٢

داور قاجار

[illegible]

دبیر ... الاصل المعروف [illegible]

[illegible]

داوری شیرازی سیوم پسر مرحوم ... وصال علیه الرحمه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

دانش رشتی [illegible]

[illegible]

دولت [illegible]

[illegible]

دهقان اصفهانی [illegible]

[illegible]

دستی فارسی [illegible]

[illegible]

من قصائده

[illegible]

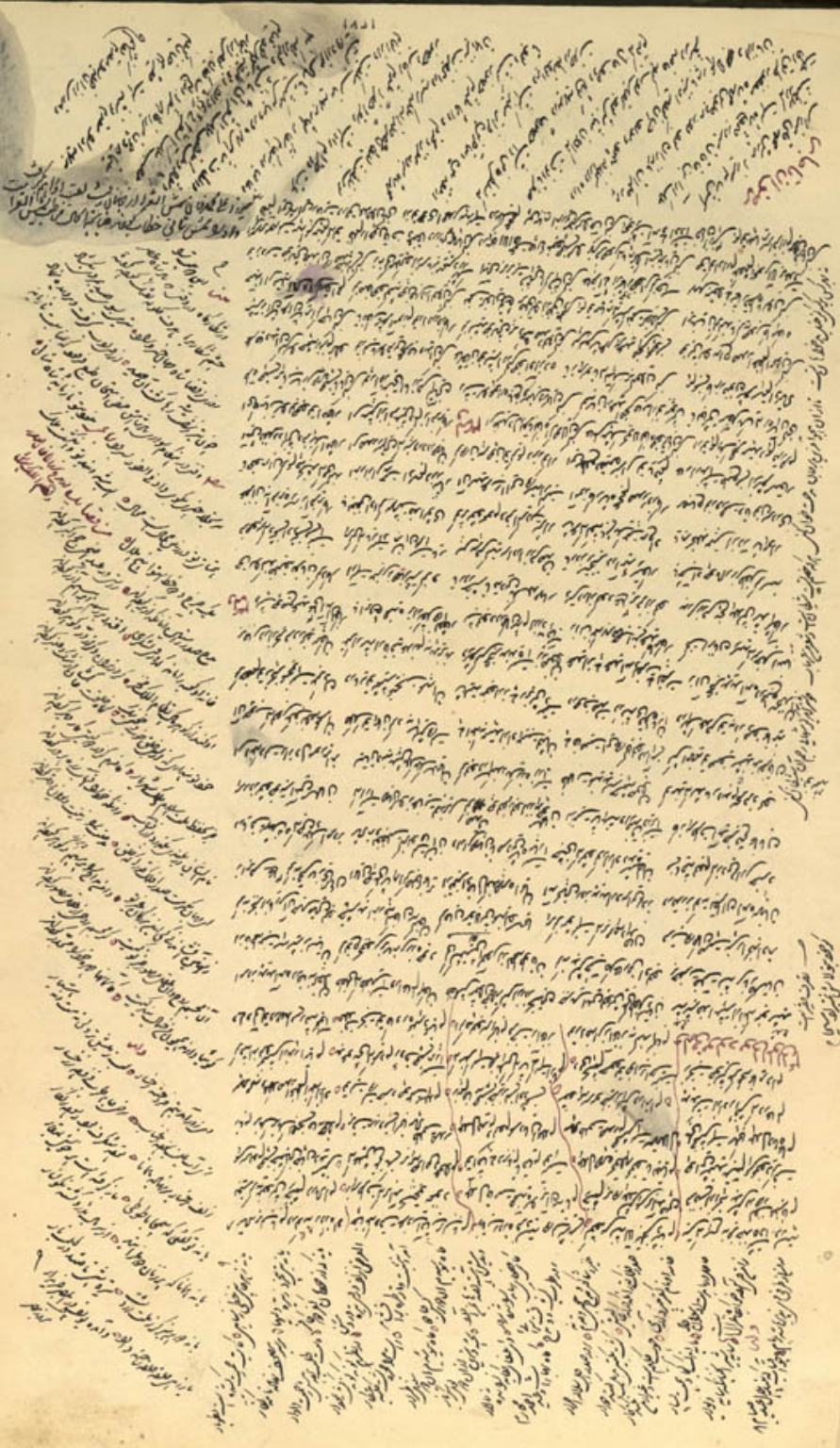

١١٠

[illegible]

ذبیح شیرازی

[illegible]

مثنوی [illegible]

ولی [illegible]

[illegible]

ذوقی خوئی

[illegible] ١٣٤٣ [illegible]

ولی [illegible]

[illegible]

ذوقی [illegible]

ذوقی بسطامی

[illegible]

قطعه [illegible]

[illegible]

ولی [illegible]

عباس بیگ [illegible]

[illegible]

ولد [illegible]

[illegible]

47

[illegible]

[illegible]

ردیف ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

۴۹

۴۹

راجی کرمانی

[illegible]

راحت فانی

[illegible]

مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲
کتابخانه

کتابخانه مجلس شورای ملی

روشن نوری
[illegible]

رحیم اصفهانی
[illegible]

ریاضی یزدی
[illegible]

راهب شیرازی
[illegible]

رجائی نائینی
[illegible]

[illegible]

۱۲۸۷

نامی یزدی

[illegible]

سابق اصفهانی

[illegible]

سائل قمی

[illegible]

نامی اصفهانی

[illegible]

۵۲

ساکت شیرازی

[illegible]

ساغر اصفهانی

[illegible]

من قصایده

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

ایضا

[illegible]

من غزلیاته

[illegible]

وله

[illegible]

سرباز بروجردی

[illegible]

من قصایده

[illegible]

سرور یزدی

[illegible]

سرور اصفهانی

[illegible]

سهاء نائینی

[illegible]

سهیل کرمانی کاشانی

[illegible]

سودائی نردبانه

سهراب زاده‌ی اندیشه از نظر اخلاق و نسبت و خاطره‌ی آن بی‌مرده است به‌سبک شیرازی که شعر و نثر را به‌هم می‌آمیخت و در آن غزل‌های عاشقانه و حکمت‌های کوتاه کنار هم می‌نشست. او در این سبک تجربه‌های فراوان کرد و در آن به‌نوآوری‌های مهمی دست یافت. از او دیوان‌های متعددی باقی مانده است که در آن‌ها می‌توان تحول زبان و اندیشه را به‌روشنی دید.

سهراب در آغاز کار بیشتر تحت تأثیر سنت غزل‌سرایی قرار داشت و غزل‌های نخستین او پر از تشبیه‌های آشنا و ترکیب‌های رایج است. اما از همان دوره نیز می‌توان نشانه‌های یک نگاه تازه را دید. او به‌جای تکرار کلیشه‌ها، تصویرهای کوچک و ملموس از زندگی روزمره وارد شعر می‌کند و همین کار به شعرش رنگ و بوی تازه‌ای می‌دهد.

در دیوان دوم، که حدود سال ۱۳۰۲ منتشر شد، زبان او ساده‌تر و صمیمی‌تر می‌شود. در این دوره بیشتر به‌سراغ قالب‌های کوتاه می‌رود و غزل‌هایی می‌سراید که در آن‌ها از پله، نردبان، بام و کوچه سخن می‌گوید. این واژه‌ها به‌ظاهر ساده‌اند، اما در شعر او هر کدام معنایی دارند و به‌تدریج به نمادهایی برای رفت‌وآمد میان زمین و آسمان، میان روزمرگی و رؤیا تبدیل می‌شوند.

سهراب در سال ۱۳۰۵ به‌اصفهان رفت و چند سال در آن شهر ماند. این سفر تأثیر بزرگی بر شعر او گذاشت. رنگ‌ها روشن‌تر شدند، تصویرها بازتر شدند و لحن شعر از حسرت به‌سوی نوعی آرامش حرکت کرد. در این دوره او بیشتر به‌طبیعت و به‌چیزهای کوچک توجه می‌کند و از قهرمان‌های بزرگ و حماسی فاصله می‌گیرد.

سهراب در سال ۱۳۰۸ به‌تهران بازگشت و در آنجا با گروهی از شاعران و نویسندگان جوان آشنا شد. این آشنایی‌ها بر شعر او اثر گذاشت و او را به‌سوی تجربه‌های تازه‌تر برد. در این سال‌ها او بیشتر به‌سراغ شعر بلند رفت و چند منظومه‌ی مهم از او در همین دوره منتشر شد.

سهراب در سال ۱۳۱۰ به‌اصفهان بازگشت و تا پایان عمر در آن شهر ماند. در این سال‌ها او کمتر شعر منتشر کرد و بیشتر به‌کار ترجمه و تحقیق مشغول بود. با این حال، شعرهای این دوره از نظر زبان و اندیشه بسیار مهم‌اند و نشان می‌دهند که او تا پایان عمر در جست‌وجوی راه تازه‌ای برای بیان بوده است.

سهراب در سال ۱۳۱۵ درگذشت. او را در باغی نزدیک زاینده‌رود به‌خاک سپردند. پس از مرگ او، دوستانش مجموعه‌ای از شعرهای پراکنده و نامه‌هایش را گردآوری کردند و آن را با عنوان «سودائی نردبانه» منتشر کردند. این کتاب تا امروز یکی از مهم‌ترین منابع برای شناخت شعر او به‌شمار می‌رود.

سهراب یزدی

سهراب یزدی در سال ۱۲۹۸ در محله‌ی کوچک باغ‌نارنج در یزد به‌دنیا آمد. پدرش کاتب بود و خانه‌ی آن‌ها همیشه پر از کتاب و کاغذ بود. او از کودکی با شعر و خط سروکار داشت و بسیاری از غزل‌های نخستین خود را در حاشیه‌ی دفترهای مدرسه نوشته است.

سهراب در سال ۱۳۱۲ به‌تهران رفت و در دانشسرای مقدماتی به‌تحصیل ادامه داد. در این دوره با جمعی از شاعران جوان آشنا شد و با آن‌ها به‌بحث‌های ادبی پرداخت. در همین سال‌ها نخستین شعرهایش در مجله‌ی «پیک سخن» چاپ شد و توجه برخی از منتقدان را جلب کرد.

سهراب پس از بازگشت به‌یزد در سال ۱۳۱۵ ازدواج کرد و به‌کار تدریس در مدرسه‌ی دخترانه‌ی شمس‌آباد مشغول شد. در این دوره شعرهایش رنگ و بوی محلی بیشتری گرفت و از زندگی روستاها و باغ‌های اطراف یزد الهام گرفت. او در این سال‌ها کمتر به‌شهر می‌رفت و بیشتر در خانه یا در باغ شعر می‌گفت.

سهراب در سال ۱۳۲۰ مجموعه‌ی نخست خود را با نام «آب‌انبار و کبوتر» منتشر کرد. این کتاب شامل ۴۲ غزل و چند قطعه بود و با استقبال خوبی روبه‌رو شد. منتقدان به‌زبان ساده و تصویرهای ملموس او توجه کردند و او را یکی از صدای تازه‌ی شعر یزد دانستند.

سهراب در سال ۱۳۲۴ به‌تهران بازگشت و در دبیرستان دخترانه‌ی فیروزه به‌تدریس ادبیات مشغول شد. در این سال‌ها با شاعران و نویسندگان بیشتری آشنا شد و در محافل ادبی پایتخت حضور منظم پیدا کرد. شعرهای این دوره از نظر زبان و اندیشه پخته‌تر و متوازن‌تر شده‌اند.

سهراب در سال ۱۳۲۸ مجموعه‌ی دوم خود را با نام «کوچه‌ی بی‌انتها» منتشر کرد. این کتاب ۶۰ غزل و ۱۲ قطعه دارد و در آن شاعر بیشتر به‌زندگی شهری و به‌تنهایی انسان امروز نگاه می‌کند. لحن شعر در این کتاب تلخ‌تر و گزنده‌تر از کتاب نخست است.

سهراب در سال ۱۳۳۲ به‌یزد بازگشت و تا پایان عمر در آن شهر ماند. در این سال‌ها او کمتر شعر منتشر کرد و بیشتر به‌کار ترجمه و تحقیق مشغول بود. با این حال، شعرهای این دوره از نظر زبان و اندیشه بسیار مهم‌اند و نشان می‌دهند که او تا پایان عمر در جست‌وجوی راه تازه‌ای برای بیان بوده است.

سهراب در سال ۱۳۳۷ درگذشت. او را در باغی نزدیک زاینده‌رود به‌خاک سپردند. پس از مرگ او، دوستانش مجموعه‌ای از شعرهای پراکنده و نامه‌هایش را گردآوری کردند و آن را با عنوان «سودائی نردبانه» منتشر کردند. این کتاب تا امروز یکی از مهم‌ترین منابع برای شناخت شعر او به‌شمار می‌رود.

[illegible]

۵۷

سوداتی [illegible] [illegible]

[illegible]

سلطانی [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سلطانی قاجار [illegible]

[illegible]

سالک کرمانشاهی

[illegible]

سالک اصفهانی

[illegible]

ساعد شیرازی

[illegible]

سرور خوانساری

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شمس الشعرا سروش اصفهانی [illegible]

[illegible]

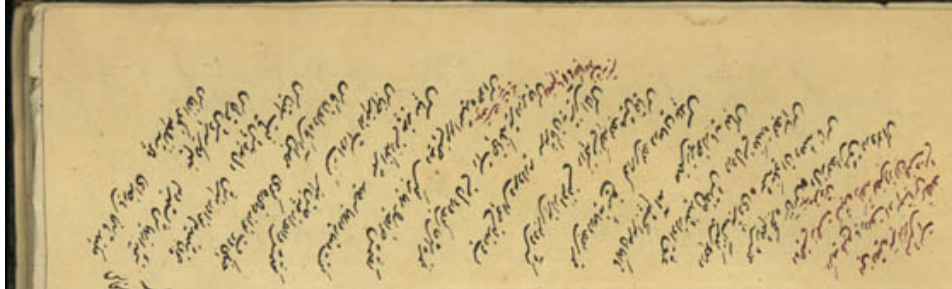

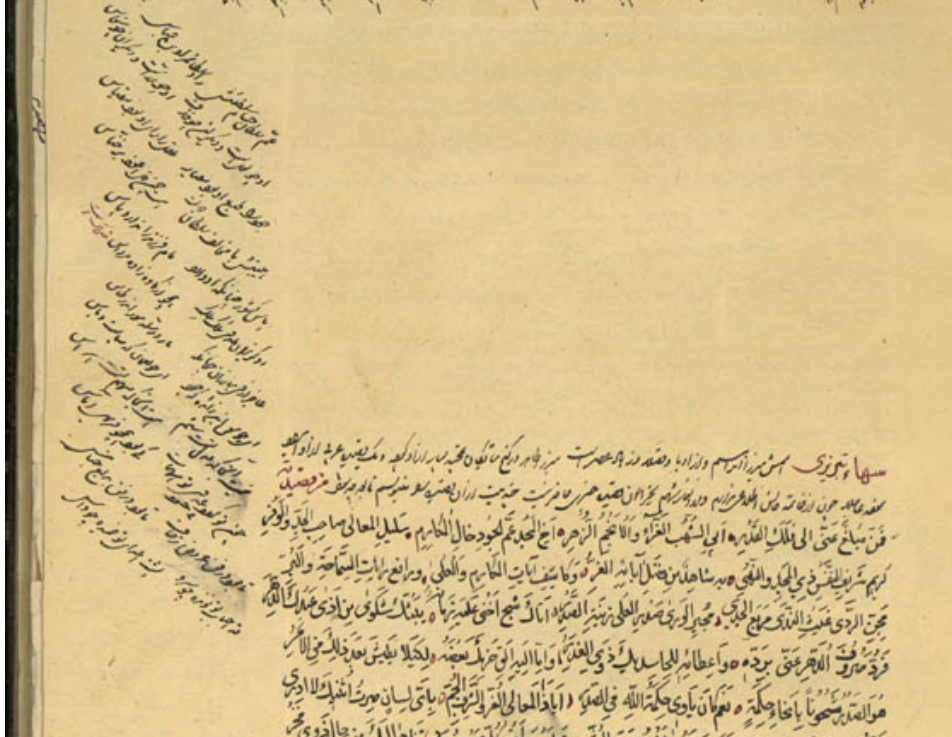

[illegible]

و له ایضاً

[illegible]

و له [illegible]

[illegible]

و له از جمله ابیات که در تاریخ [illegible]

[illegible]

و له

[illegible]

سها تبریزی اسمش میرزا ابراهیم و از ادبا [illegible]

[illegible] مرضیه

فمن مبلغ عنی الی ملک [illegible] ابی الشهب الغر و الانجم الزهر [illegible] صاحب المجد و الفخر

کریم شریف النفس فی المجد و التقی [illegible] و کاشف آیات المکارم و العلی [illegible] و رافع رایات السماحة و الفخر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سپهر کاشانی

[illegible]

سامانی شیرازی

[illegible]

میرزا رضا

[illegible]

شیفته همدانی

[illegible]

ساقی تالابی

[illegible]

شعرای اصفهانی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شایق اصفهانی اسمش میرزا محمد علی است [illegible]

[illegible]

شکسته قاجار [illegible]

[illegible]

شکوه اصفهانی [illegible]

[illegible]

[illegible]

شعرای یزدی

[illegible]

شفیع یزدی

[illegible]

من غزلیاته

[illegible]

وله

[illegible]

شوقی یزدی

[illegible]

شمس المعالی یزدی

[illegible]

قصیده

[illegible]

شهاب ترشیزی

[illegible]

من قصایده

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله

[illegible]

غزل

[illegible]

قطعه

[illegible]

ومنه ایضا

[illegible]

رباعی

[illegible]

ایضا

[illegible]

شهاب اصفهانی

[illegible]

شعرای شیرازی

شعرای نقش میرزا ابوالقاسم [illegible]

[illegible]

شکوه شیرازی

[illegible]

[illegible]

شوکت [illegible]

[illegible]

۹۷

[illegible]

۹۸

شهلای یزدی [illegible]

[illegible]

شهید شیرازی [illegible]

[illegible]

ولہ [illegible]

[illegible]

شیدای یزدی [illegible]

[illegible]

[illegible]

ولہ غزل [illegible]

[illegible]

ولہ قطعه [illegible]

شبانی کاشانی [illegible]

[illegible]

[illegible]

شوکت

[illegible]

[illegible]

حاجی محمد صادق خان جهرمی

[illegible]

صفای تفرشی

[illegible]

شیخ صالح اصفهانی

[illegible]

[illegible]

صابر [illegible]

[illegible]

صبای کاشانی

[illegible]

صابر شیرازی

[illegible]

صافی قزوینی

غزل

[illegible]

میرزا صادق یزدی

[illegible]

قطعه

[illegible]

درویش صادق شیرازی

[illegible]

صافی اصفهانی

[illegible]

قطعه

[illegible]

غزل

[illegible]

صحبت لاری

[illegible]

مخمس

[illegible]

غزلیات

[illegible]

[illegible]

صفائی قزوینی

۷۲

[illegible]

صفائی قزوینی [illegible]

صفائی شیرازی [illegible]

صفائی یزدی [illegible]

صفی اصفهانی [illegible]

صاحب علی آبادی [illegible]

طاهر نائینی [illegible]

۷۴

طایر نائینی [illegible]

[illegible]

طایر جهرمی [illegible]

[illegible]

طالب [illegible]

[illegible]

طایر شیرازی [illegible]

[illegible]

طالب صفهانی [illegible]

[illegible]

مرزا علی [illegible]

[illegible]

طرز یزدی [illegible]

رضا [illegible]

وله [illegible]

غزل [illegible]

طرب نائینی [illegible]

منه العربیه [illegible]

وله غزل [illegible]

طوطی نائینی [illegible]

منه [illegible]

منه المسمط [illegible]

منه غزل [illegible]

[illegible]

ظفر اصفهانی

[illegible]

۷۶

۷۵

واله هروی

[illegible]

٧٧

عالی شیرازی

[illegible]

عبدالحمید جهانی

[illegible]

عشرت نائینی

[illegible]

عشرت اصفهانی

[illegible]

عندلیب کاشی [illegible]

[illegible]

من قصایده [illegible]

[illegible]

مطلع ثانی [illegible]

[illegible]

ولیه [illegible]

[illegible]

عطارد [illegible]

[illegible]

ولیه [illegible]

[illegible]

ولیه [illegible]

علی بیک [illegible]

ولیه [illegible]

[illegible]

حاجی میرزا سید علی یزدی [illegible]

[illegible] ۱۲۸۳ [illegible]

[illegible]

عشقی کرمانشاهانی [illegible]

[illegible]

عشق

[illegible]

عجیب مازندرانی [illegible]

[illegible]

٨٠

عبد العلی کاشانی

[illegible]

عاشق کرمانشاهی

شرح حال

عیانی جهرمی [illegible]

[illegible]

رباعی نجفی [illegible]

عارف زابلی [illegible]

[illegible marginal notes]

[illegible marginal verses]

٨٤

میرزا عبد المطلب کاشانی [illegible]

[illegible]

ولد [illegible] ... وطيبها ... والبانه [illegible]

[illegible]

عنقای اصفهانی [illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۴۸

۸۴

غبار یزدی

[illegible]

غمامی یزدی

[illegible]

۱۴۷

[illegible]

فایق [illegible]

[illegible]

رباعی [illegible]

فروغی بسطامی

[illegible]

فروغ اصفهانی [illegible]

[illegible]

وله عربية [illegible]

[illegible]

[illegible]

فنای خوئی

[illegible]

من قصایده

[illegible]

فضل فروغی

ادیب فروغی اصفهانی

[illegible]

من قصایده

[illegible]

۸۸

فدائی یزدی

[illegible]

ایضاً

[illegible]

ولہ

[illegible]

فرامرز شیرازی

[illegible]

فرخ یزدی

[illegible]

فرهنگ نائینی

[illegible]

فرهنگ شیرازی

[illegible]

فطرت نوائی

فطرت نوائی [illegible]

فیضی شیرازی

فیضی شیرازی [illegible] ... غزل [illegible]

فهمی اصفهانی

فهمی اصفهانی [illegible]

[illegible]

۹۰ ۸

حکیم قاآنی

[illegible]

غزلیه

[illegible]

مثنوی

[illegible]

قانع جهرمی

[illegible] **غزلیاته** [illegible]

قایم مقام فراهانی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قضائی یزدی

[illegible]

کامی اصفهانی

[illegible]

کاشی نائینی [illegible]

کوکب یزدی [illegible]

کمال عالی [illegible]

کلهر کرمانشاهانی [illegible]

لایق ابرقوئی [illegible]

[illegible]

[illegible]

کامل کرمانشاهانی

[illegible]

١٢٦٤

[illegible]

شعر

[illegible]

وله

[illegible]

[illegible]

محمود قاجار

[illegible]

سنائی نائینی

[illegible]

مرتضی ایل

[illegible]

ولـه

[illegible]

بایل نهاوندی

[illegible]

[illegible]

کورنکله [illegible]

مرقعات [illegible]

[illegible]

[illegible]

مطلع قصیده [illegible]

[illegible]

کیوان طهرانی

[illegible]

گیلان نو خورشید [illegible] جمشید [illegible]

[illegible]

کوثر درودی

[illegible]

گوهری تبریزی

[illegible]

[illegible]

مایل بروجردی

[illegible]

مایل طهرانی

محبت غاینی

[illegible]

محجوب شیرازی

[illegible]

مجرم اصفهانی

[illegible]

[illegible]

محبت مازندرانی [illegible]

مظفر کرمانشاهی [illegible]

محمد افشار [illegible]

[illegible]

محمد شیرازی

[illegible]

محمد باقی

[illegible]

[illegible]

محمود کلیمی

[illegible]

۱۰۱

محرم یزدی

[illegible]

ولهٗ [illegible]

محرم [illegible]

وله [illegible]

آقا محمد علی شیرازی

[illegible]

قطعه [illegible]

سید محمد ... [illegible]

مستزاد [illegible]

ایضاً [illegible]

محمود شیرازی

[illegible]

وله [illegible]

ایضاً [illegible]

وله قلندریه [illegible]

وله [illegible]

وله [illegible]

وله تصنیف [illegible]

وله غزل [illegible]

وله قصیده [illegible]

[illegible]

[illegible]

در میلاد با اسعاد حضرت مجمع کمالات وعلت غائی موجودات ونقشبند تاریخ [illegible]

[illegible]

مشفق یزدی

مشتری

مسکین صفهانی

١٠٤

مطیع شیرازی [illegible]

مقتول شیرازی [illegible]

من قصیده [illegible]

میرزا علی طهرانی [illegible]

من قصیده [illegible]

[illegible]

منتخب یزدی [illegible]

وله رباعی [illegible]

ایضا [illegible]

منعم شیرازی [illegible]

من غزلیاته [illegible]

موالی یزدی [illegible]

مهدی یزدی [illegible]

ایضا [illegible]

محیط کلپایگانی [illegible]

۱۰۵

[illegible]

میرزا [illegible]

[illegible]

[illegible]

منظری کرمانی

[illegible]

[illegible]

حاجی میرزا محسن یزدی [illegible]

[illegible]

جناب حاجی ملا مهدی کرمانشاهانی [illegible]

[illegible]

حاجی میرزا اسمعیل یزدی [illegible]

[illegible]

مجد الدین ...

ملا محمد ... کرمانشاهانی

نامی کاشانی

[illegible]

ولہ [illegible]

[illegible]

ناطق یزدی

[illegible]

ناصر فسائی

[illegible]

ولہ [illegible]

[illegible]

خواجه حاجی ملا ... نراقی

[illegible]

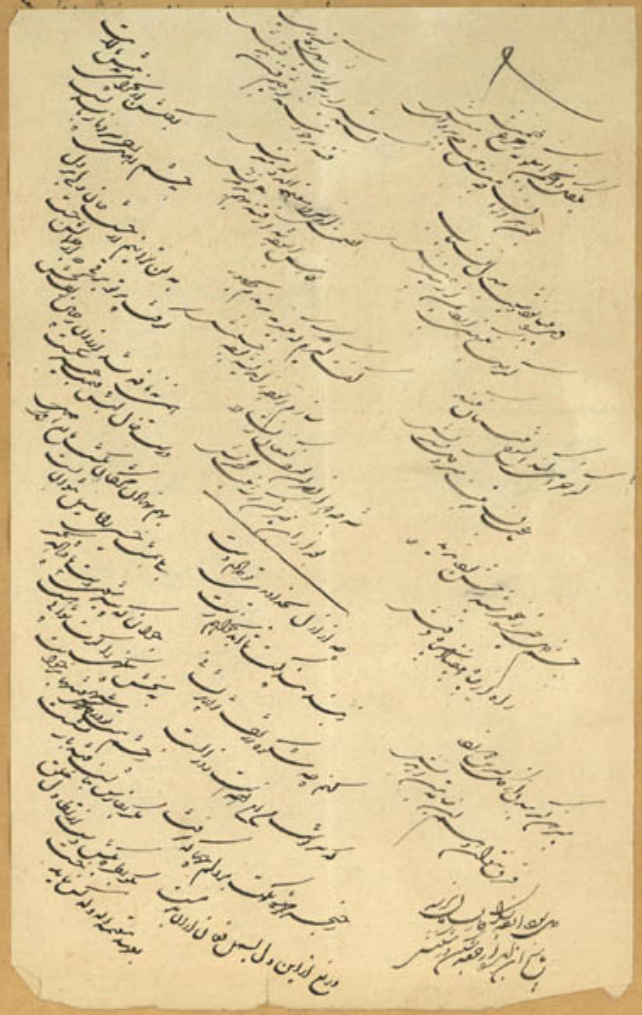

خاتمه [illegible]

ناطق یزدی

[illegible] مطلع [illegible] ولی [illegible] مطلع [illegible] ولی [illegible]

ناصر [illegible]

[illegible]

ولی [illegible]

[illegible]

مطلع [illegible] ولی [illegible]

[illegible]

رباعی [illegible]

[illegible]

ناطق یزدی

[illegible]

ناصر فسائی

[illegible]

ولی [illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۸

نجاتی باقی

[illegible] ولہ [illegible] ایضاً [illegible]

ندیم شیرازی

[illegible]

مرثیہ [illegible] منہ لہ

ولہ [illegible] ایضاً [illegible]

نشاطی سمنانی

[illegible] ۱۲۶۲ [illegible] من قصایدہ [illegible]

ولہ [illegible]

ایضاً [illegible]

ولہ [illegible]

[illegible] ایضاً [illegible] من قطعاتہ [illegible] ولہ [illegible] وله [illegible] ومنہ [illegible]

نشاط اصفهانی علیه الرحمه

معتمد الدوله

[illegible] ۱۲۴۴ [illegible] ایضاً [illegible] ولہ [illegible]

نقیب شیرازی

[illegible]

نوید خراسانی

[illegible]

نورعلی شاه اصفهانی

[illegible]

نور علی [illegible]

[illegible]

[illegible]

نوا یزدی [illegible]

ناصری کلهر کرمانشاهانی [illegible]

[illegible]

نامی کرمانشاهانی

[illegible]

۱۲۳۸

[illegible]

ولـه

[illegible]

نثار آذربایجانی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وله نشانه [illegible]

[illegible]

[illegible]

واثق یزدی

[illegible]

رباعی

[illegible]

واثق یزدی

[illegible]

من قصاید

[illegible]

وله

[illegible]

ایضا

[illegible]

من غزلیاته

[illegible]

[illegible]

115

وحدت تبریزی [illegible]

[illegible]

وحدت [illegible] غزل [illegible] قطعه [illegible] ولـه [illegible] رباعی [illegible]

وحیدی [illegible]

وحیدی [illegible] غزل [illegible]

[illegible]

وصالی [illegible]

[illegible] من قصائده [illegible]

ولـه [illegible]

وصال سید ... علیه الرحمه شرح احوالات و مجاهدات ایشان را بیان، و بعضی از کرامات ایشان را که مشهور است نمایم و در ضمن همه بنویسم که مقام عشق را از عشاق

موسی و محمد بیش دانا پرسشته تخویر کشتم کاوانش را حضرت است و فقره ای سرور شیخ شاه فرموده بعد اضافت است که مرا از وصال و حال

اسرافت کرده است، او علوش مقدمات عرض و اکثر چگونگی در بیشتر و سر عشق را کیچ را بلو و دیگر عروض قوت که بنده آیه محبوب میشه

و اکنون از احوال آن بزرگوار بیش چیزی نیست و فقره است مدت آن که مدت بر بنده القصار المتقدم که موجب انتخاب کرامات است دیگر از جمیع جهات براورد

تمام مرشد کامل ربانی واصل کاملا و بیمثال بیشکه اکثری مراتب ایشان در نظار عالم مشهور و مذکور شده و شهرت جهانی دارند آسمان ملک ایشان

آن رفت و لیکن در ذکر مراتب ایشان ساحتی بلوغ مرتبه بود و مراتب ایشان بیت و اما عقل ایشان از آنکه قدم بود و حال

سرآمد اهل زمانه و مشهور جهان بود کمتر از متقدمین و متاخرین کسی بود و بعضی سر ایشان نرسد چنانکه خود و مقالی معترف و مقر بود که

ضد این حرف است که خرد را سر در آرزد و لیکن بنده اعتقاد دارد که از همه کامل تر بود و لیکن این سخن مسلم است که هر کمال خاص و عرفان و وجد و ذوق

و مذاق کمال آن بیش نصیب است و قصیده سرائی خاص مرتبه شاعر مرتبه کمالیت است اما اعتقاد بنده آنا و مادر و هر چنین طبع و اخلاق و این چار پیرایه

مکرر در بیش بلوم و میرسد و هر چنان حرف و کلام بسیار و مختلف سر آمد و مذکور و مشهور بود و لیکن مجموع میخواهند که هر دو کلمه مختلف میشود و مذکور و مشهور

اگر دو کلمه این کلمه و لیکن مشهور شهرت مختلف و بعضی آنرا تمام کلمه اول و دوم میشود و بعضی این قرار دادند که کلمه اول و دوم

و بعضی کلمه و او را در میانه بعضی و بعضی میشود مرضیه جمیع کثیر از مشاهیر متقدم و متاخر نوشته و در حوضه حاجب صدر است

احوال احوالی الصفا و بهجة جمیع علم المعنوی داشت که ده سال بعد از بعضی از مشاهیر عرفی صحبت کند و مدام سوالهای این بعضی مشورش فرموده محمد در

و مذاق محمد تقریر کامل و مدلل بیان بعضی بعضی در طریقت مدت مرحوم مغفور میرزا ابوالقاسم سکوت نمودند را اضافه کرده و از آن بیان توضیحات

فیه و در ارادت آن اگرچه چیزی مفید مرحوم مغفور بعضی نوشته بعضی و لیکن مختصر و اقتباس نمودند

و انچه مختصر در مطلب باقی بود نوشته و لیکن کاملا و اتمام نام مبارک ایشان کاملا کرده بعضی بنده که مرشد آن بیان شهرت کلمه و در اضافه

و در برکت حضرت سید شهداء ارواحنا الفداه و قبله آن بیان بیان میکنند که بعضی از ذکر کامل و اقتباس نمودند آن بهتر که مختصر کلام

و بعضی از اشعار آن بیان محمد در اکثر نام نام بعضی میرزا محمد تقی و علیشاه ملک آرا در روایت نوشته

۱۱ الفقیر وجب التعظیم و حسن الاهتمام الاسم موسی الخاتم صلوات الله علیه سیاه

[illegible]

۱۱۸ وفا [illegible]

[illegible]

١١٩

[illegible]

[illegible]

وفائی یزدی [illegible]

[illegible] **در قصیده او است** [illegible]

[illegible] **و له** [illegible] **در وله او است** [illegible]

[illegible] **و له** [illegible]

[illegible] **و له** [illegible]

وفائی شوشتری [illegible]

[illegible] **من قصایده** [illegible]

[illegible]

[illegible] **من غزلیاته** [illegible]

[illegible]

وحید کرمانشاهی [illegible]

من غزلیاته

[illegible]

[illegible]

فی نعت سبط الثانی و امام الثالث

[illegible]

و منه فی مدح الامام الثامن الضامن

[illegible]

[illegible]

هدایت تخلص مرحوم رضاقلیخان است [illegible]

[illegible] مجمع الفصحا و روضة الصفای ناصری [illegible]

[illegible]

ولد علیقلی میرزا [illegible]

[illegible]

ولد [illegible]

[illegible]

ولد علیقلی الحقایق [illegible]

[illegible]

ولد [illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۲۴ **هشیار شیرازی** [illegible]

[illegible] ۱۲۸ [illegible]

قطعه [illegible]

[illegible]

هشیار فارسی [illegible]

[illegible]

ابیات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

همای شیرازی

[illegible]

غزلیاته [illegible]

ولـه [illegible]

غیره [illegible]

[illegible]

در هدایت

[illegible]

ولـه [illegible]

[illegible]

همدم سمنانی میرزا محمد ... و در زمره ندمای محمد ولی میرزا ... در احوال ... خوش داشته [illegible] **من قصیده**

[illegible]

غزله [illegible]

رباعیه [illegible]

[illegible]

هزجی [?] [illegible]

[illegible]

قصیده [illegible]

[illegible]

فرهیدون راز جام جم نشد کز باد حادثه بر تابان • که دیدی کاو در او هرگاه و بیشه بیشه داد نداد

به توقیع ارجمند ما روان نا خفته خرسندی • بشنگرف هزار از رنج جوات کوه بشکافد

کهن زاد اسیاب بلند و جهر ملک دل • بخش تیز جان بد باس امروز دلبند فشانی

که تیر عشق جام جم ز غیرت آرش آرش • بمرد جان سپاس زاتل امال دانائی

شا نوشیروار کز نیت ز فرهنگ جم • به بند کی نشین جام چون کاوس پیرائی

به بخت همت ره بر به پرهام شهریار کز • ز فرزه پرارشش کوشک بر به خرم پردائی

سیاوخش از هرمز جام جم کوشش علیت • به آذه در شرخ چون کیخسرو در تماشائی

زخم چاه پیرن جاملکی خوار شکیبائی • نهان شد چو کیخسرو جام جم در زم کیخسرو

چو هرات بترک ملک جان زلاله کسب غم • به قربان خواه زاور بارگان جام چو کوشب

توان در نوبهار دل چو زرد آذر آذرائی • بنوشی هند در جام از بن کوش از او به گشتاب

به جنبوی از بن کیتر چو زرشت از جم است نائی • زخیلی قطره نیان جم از قلزم حکمت

مرد در بیضوان تن نم چو جنا چو رویین تنی • کشیدی لوا و جایب سلم و ریلک لالائی

دریغ سیمرغ جام را نوزیر چون پور غشقائی • ازین روشه ز مجلس یار ما نجات آئی

به جم چون جام روشن شه کز وش گردد از بهرون • کیان جام و جاه جم که جاوید انوشه تن

فراوش روشنک چون روشنی بخت آرائی • درین بوعلی جم رو شنه تن فرخنده فرشائی

عمه کا نامه شیرا شه از جوشه علقه غائی • مکلوه از جام و از جم کیست جز محمود ابوالقاسم

ولی چون هم نمانیم لفاز این سخن دریا ران • درین غایت بغایت دفتر دارم که بر مایه

نوشتهای شرافت و حجت های شائی • ز مثقال کهن ایزد در دنیا و در عقبا

بجوانی جهان از سند فتحا شائی • گر مثقال کهن ایزد در دنیا و در عقبا

۱۳۳۴

[illegible]

[illegible]

[illegible]

یغمای جندقی

[illegible]

۱۴۰

[illegible]

خاتمه [illegible]

بی باك تركمان [illegible]

[illegible]

خدیجه کاشی [illegible]

[illegible]

قرة العين

زرین تاج قزوینی [illegible]

[illegible]

سلطانی بسطامی [illegible]

[illegible]

[illegible]

صنعت فارسی [illegible]

لها [illegible]

عفت شیرازی [illegible]

لها [illegible]

مستوره [illegible]

ولها [illegible]

[illegible]

ولها

جشم [illegible]

[illegible]

والیه [illegible]

[illegible]

ولها [illegible]

[illegible]

ولها [illegible]

[illegible]

مجلس شورای ملی
کتابخانه

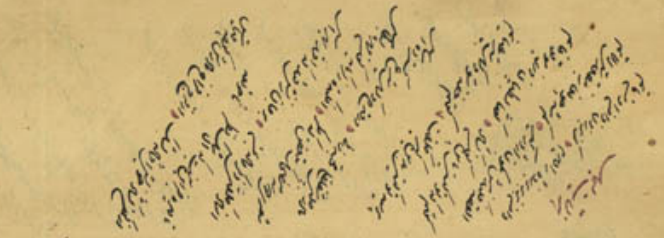

[illegible]

بسمل [illegible] مثنوی [illegible]

[illegible] مثنوی [illegible] مثنوی [illegible]

[illegible] مثنوی [illegible]

[illegible]

[illegible] مثنوی [illegible]

[illegible]

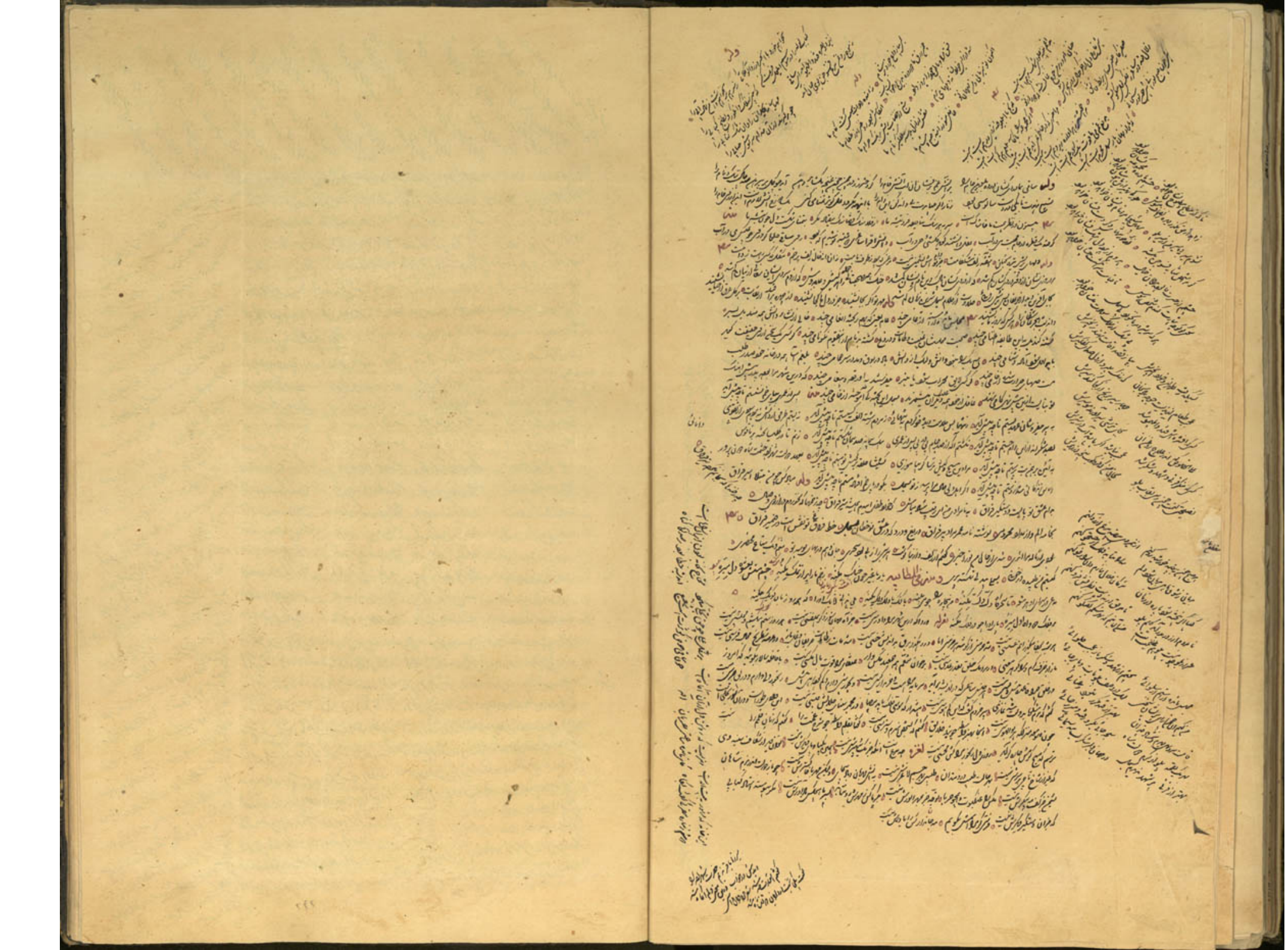

[illegible]

[illegible]

[illegible] امروز [illegible]

[illegible]

۹ دفتر و سبب اظهار ... که ... مقام ... [illegible]

[illegible]

سالک ... [illegible]

[illegible]

سالک ... [illegible]

[illegible]

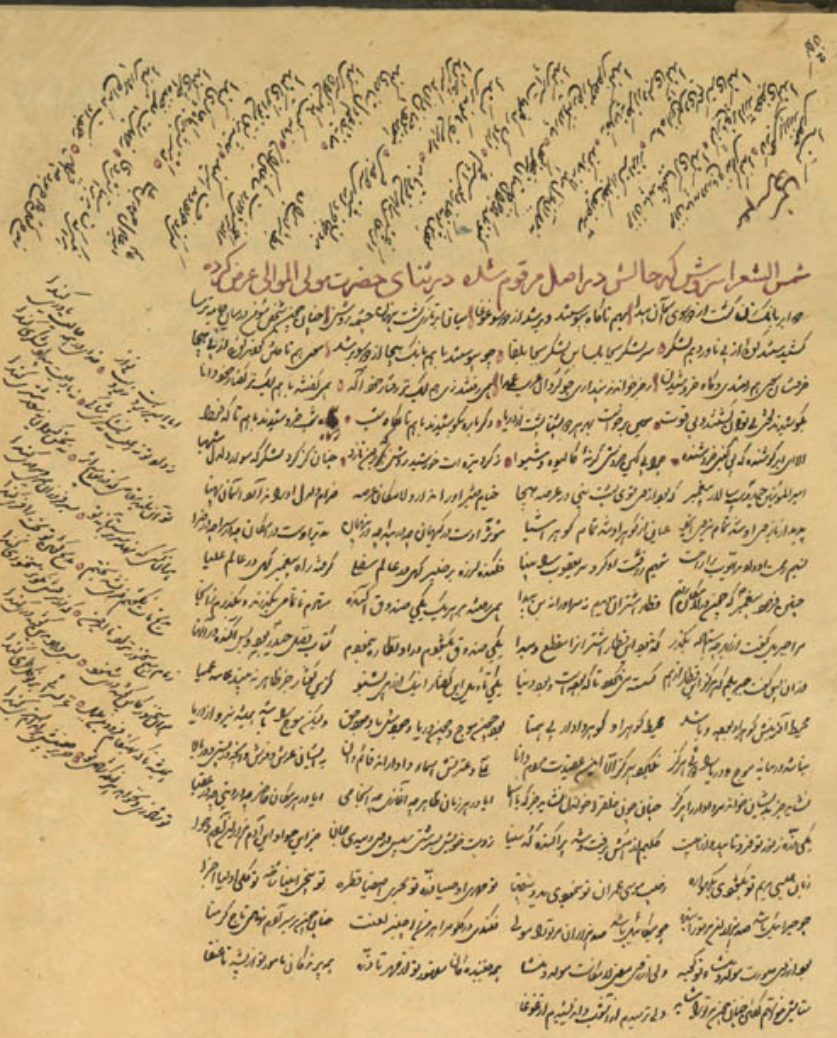

شمس الشعرا سروش که حالش در اصل مرقوم شده در ثنای حضرت مولی الموالی عرض کرده

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

باغ بهارست [illegible] سلیمان [illegible] سلیمان [illegible] تو سلیمان [illegible]

[illegible] گلستانی [illegible]

[illegible] گلستانی [illegible]

حضرت سلطانی [illegible]

[illegible]

[illegible]

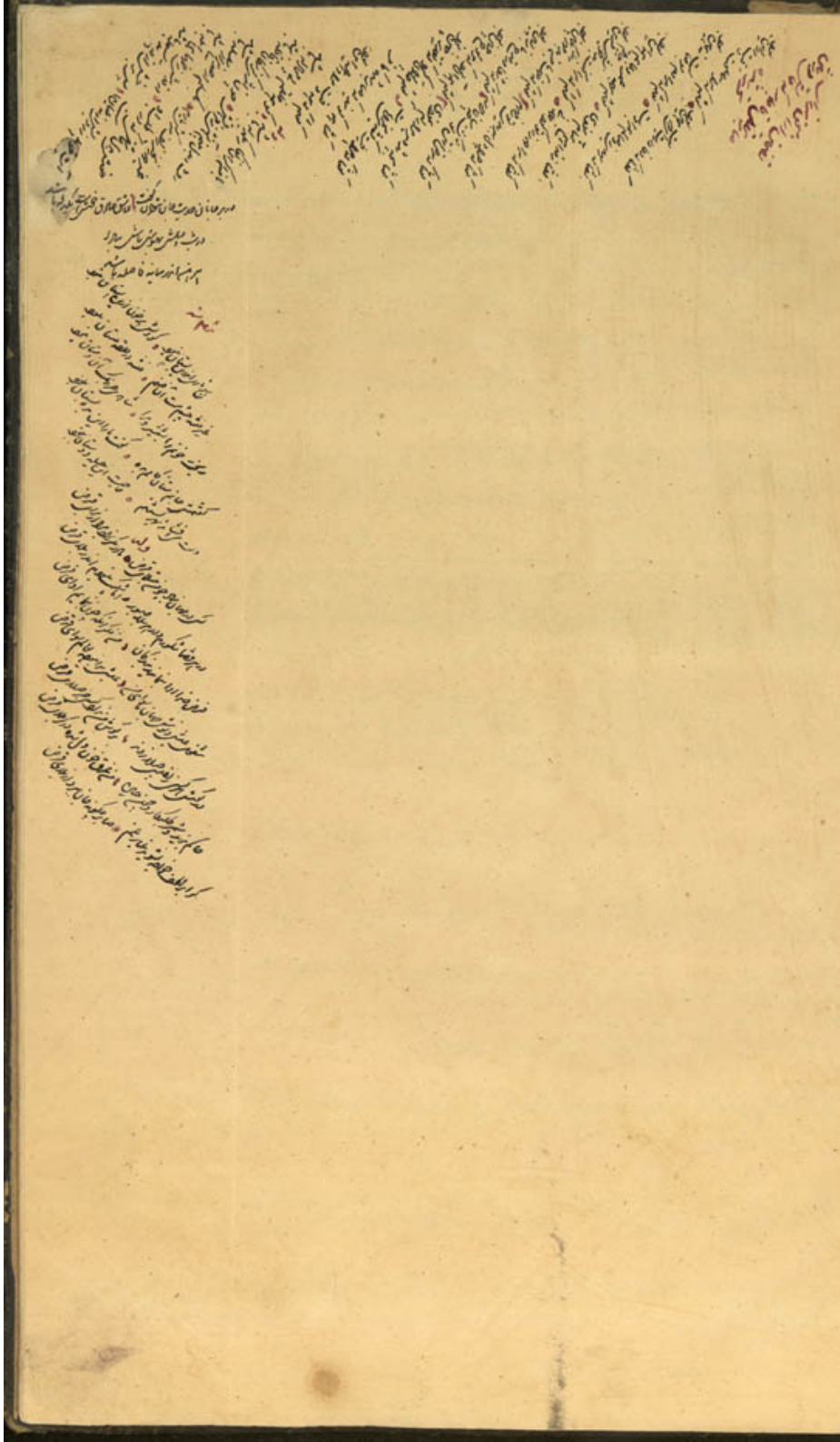

[illegible]

[illegible]

ملک الشعرا صبا[illegible]

[illegible]

صاحب علی آبادی

[illegible]

[illegible]

در خطاب ... قلم گوید

[illegible]

ایضا خطاب ...

[illegible]

در خطاب به خنجر گوید

[illegible]

خطاب ... امیر الدوله

[illegible]

در خطاب به خنجر سلطان گوید

[illegible]

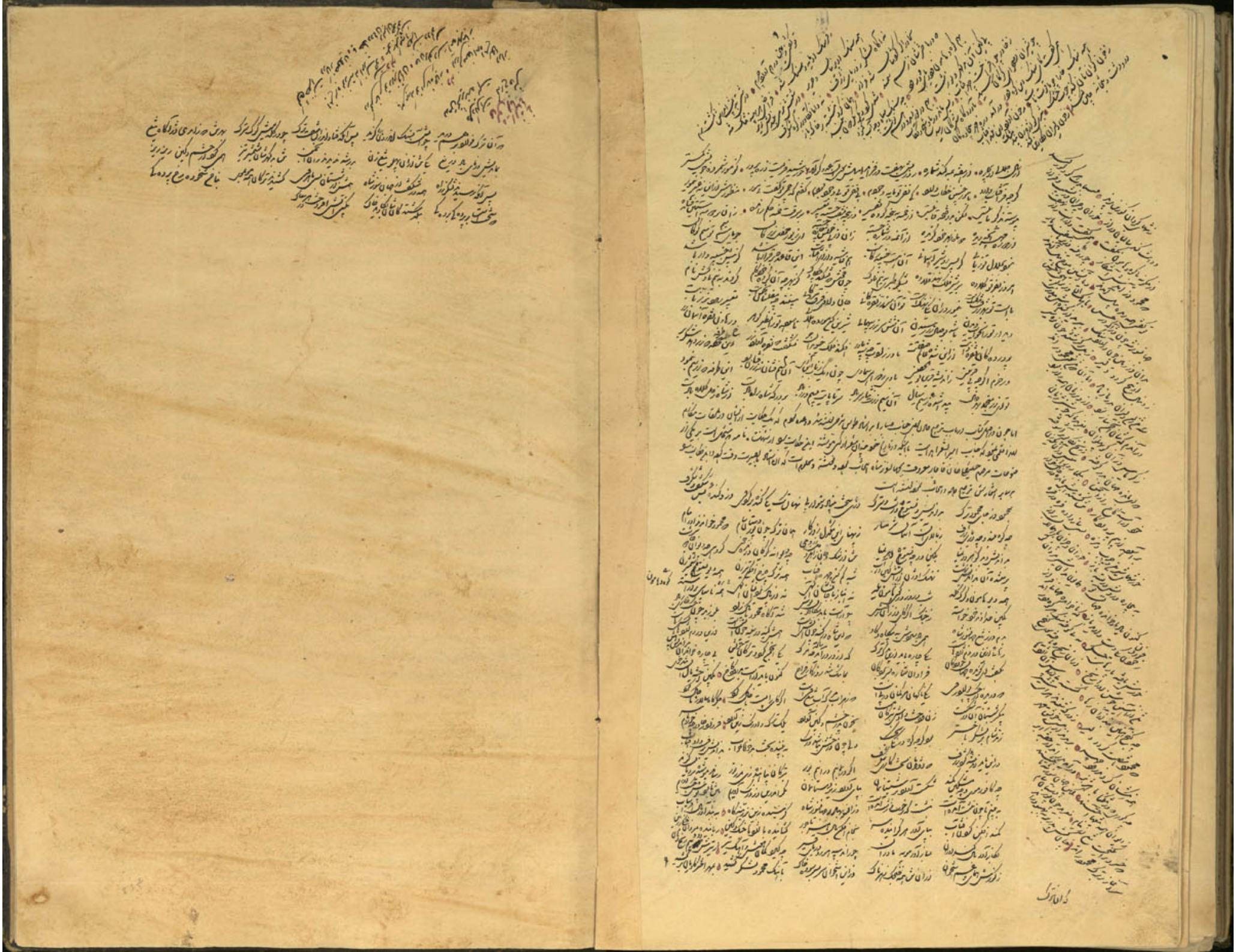

[illegible]

[illegible]

اما چون در این کتاب [illegible]

[illegible]

[illegible] نوشته است

[illegible]

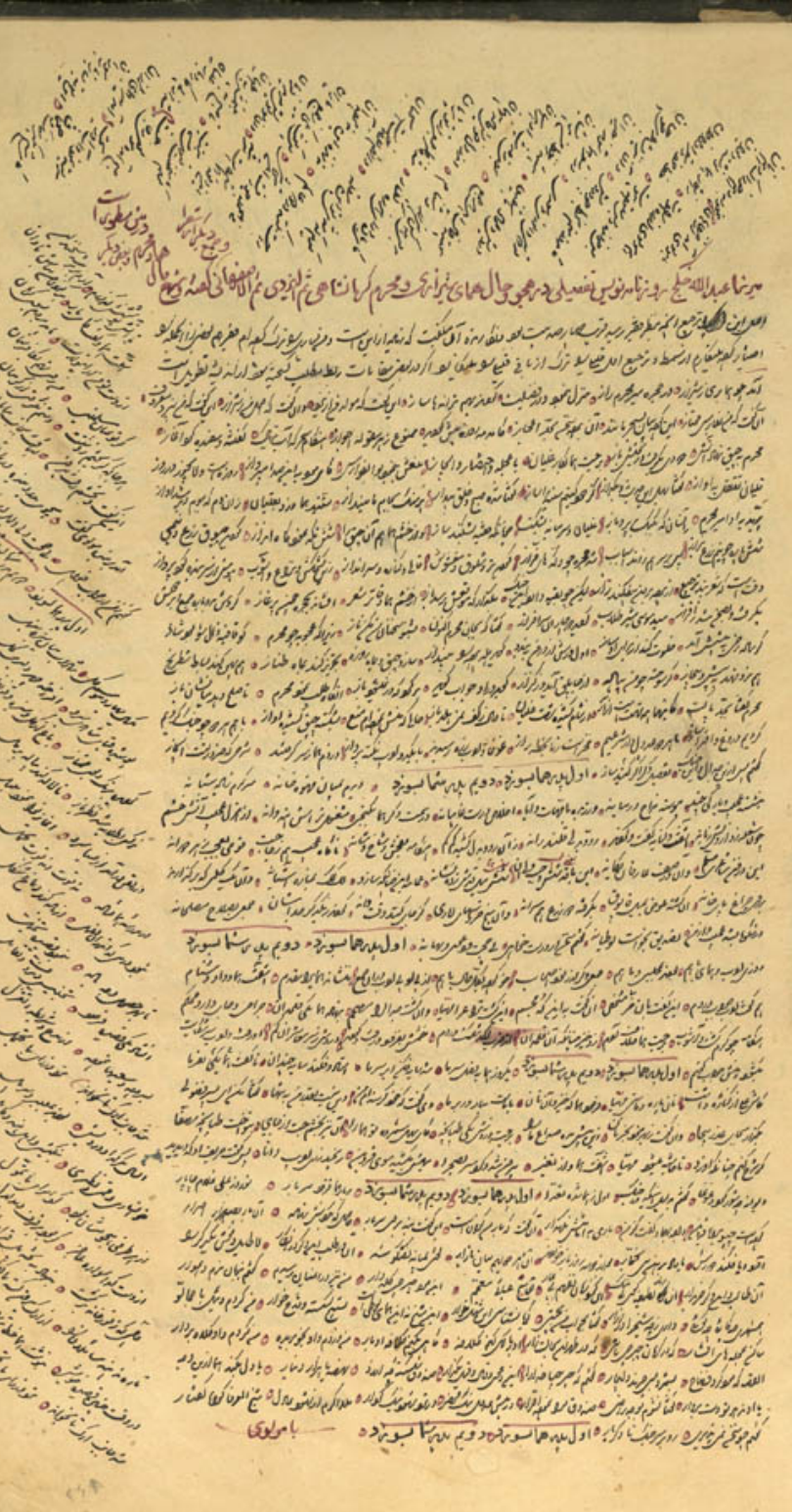

میرزا عبد الله [illegible] روزنامه [illegible] تفصیلی [illegible]

[illegible]

... ابو الفضل ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

وله [illegible]

[illegible]

میر محمود پاشا افغان تخلص کرده شرح حالش در [illegible] مرقوم شده و این قصیده را در مدح میرزا نصرالله صدرالممالک [illegible] گفته

بعض ابیات آن مرقوم میشود

[illegible]

ولها [illegible]

[illegible]

[illegible]

میرزا محمد ... لسان القلم

[illegible]

وله در حکومتی شکایت ابنای زمان

[illegible]

قطعه

[illegible]

[illegible]

رفا سید حسین محمد ... الاصل اصفهانی الملک

[illegible]

وله

[illegible]

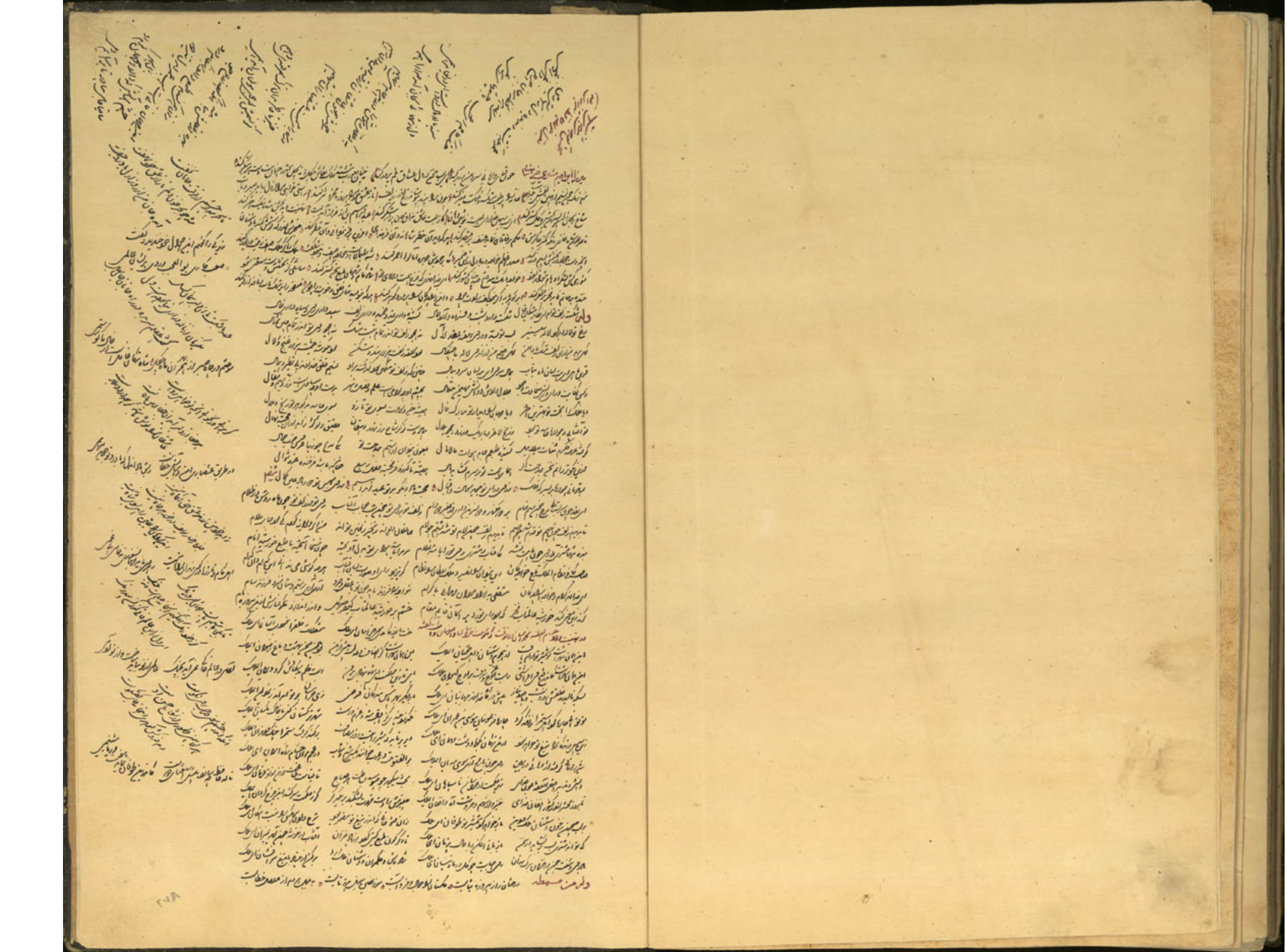

میرزا ابوالقاسم [illegible]

[illegible]

وله

[illegible]

در تهنیت [illegible]

[illegible]

وله ایضاً مسمط

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
اوائل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

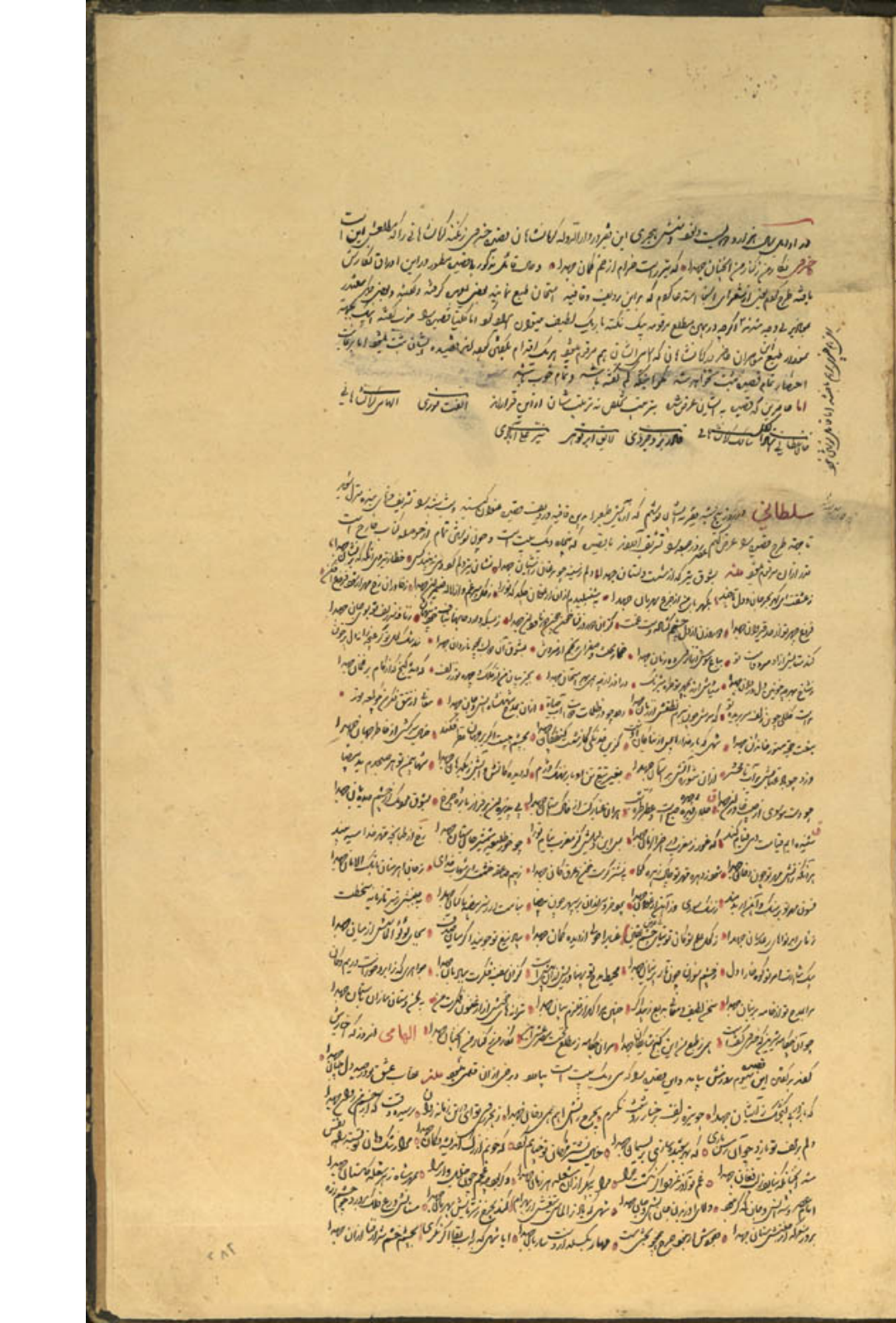

[illegible]

حضرت اردبیلی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سلطانی [illegible]

[illegible]

الهامی [illegible]

[illegible]

[illegible] زبان [illegible] جهان [illegible]

[illegible] جهان [illegible] سخن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کتابخانه

جعفر سلطان القرائی

تبریز ۱۳۵۵ هـ قمری

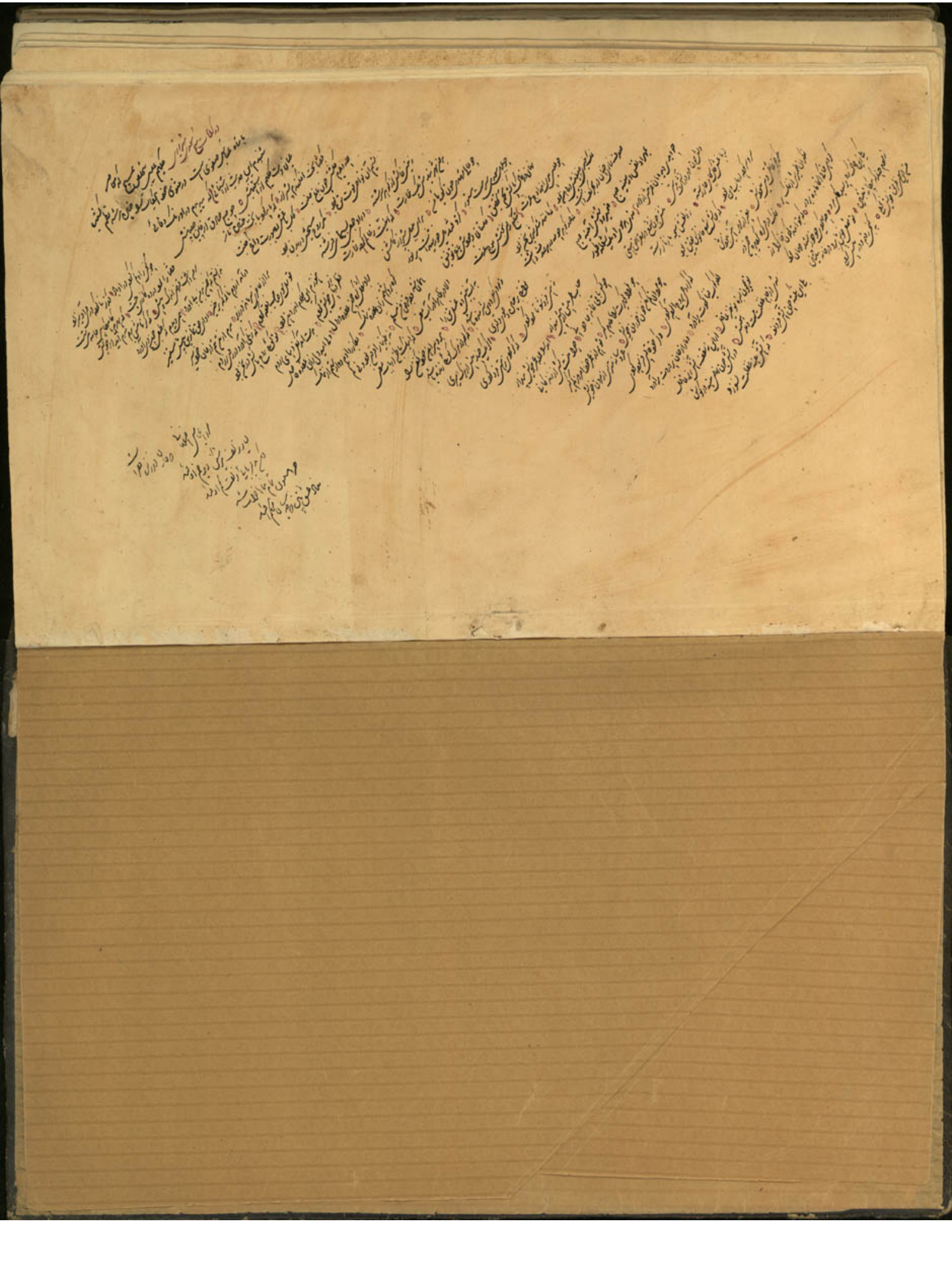

[illegible]

[illegible]

[illegible]